

بررسی و ارزیابی دیدگاه‌های شهروندان و متخصصین درباره اولویت‌های مدیریت شهری مطلوب در کلانشهر تهران

امیر ثامنی* - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، سازمان برنامه و بودجه کشور، تهران، ایران
ناصر براتی - دکتری شهرسازی، دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

Review and evaluate the views of citizens and professionals about the priorities of desirable urban management in Tehran

Abstract

Establish a common language and understanding between professionals and citizens about nature and how to achieve the desired city, an important first step to realize this numerous. In this research that classified as a basic and applied research used a survey (questionnaire and interview) from citizens as well as the Delphi method to obtain opinions of experts.

The results of this research indicated that tehranian citizens are aware of the necessity and importance of cooperation in city management and believe that the citizens or their representatives should take the responsibility of the city management. However, they are reluctant to participate in city management due to various reasons including: costly cooperation compared to its advantages, reluctancy of authorities, confliction with the numerous problems of life, not having enough time and the emergence of ideological, political and religious orientations. Finally, although experts consider citizen cooperation as the most important of public demands, we found in this research that, from viewpoint of tehranian citizens, responsibility, accountability and justice are the most important characteristics of preferable city management.

Keywords: urban management- urban good governance- citizens- specialists- Tehran

چکیده

برقراری زبان مشترک و درک متقابل میان متخصصین و شهروندان درباره ماهیت و چگونگی نیل به شهری مطلوب، گام نخستین برای تحقق این مهم محسوب می‌شود. در این پژوهش که در زمره تحقیقات بنیادی و کاربردی دسته‌بندی می‌شود، با بهره‌گیری از روش پیمایشی (پرسشنامه‌ای و مصاحبه) از شهروندان و نیز روش دلفی برای کسب آراء و نظرات متخصصین استفاده شده است.

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که شهروندان تهرانی با وجود آنکه بر اهمیت و ضرورت اصل مشارکت در مدیریت شهر به خوبی واقف بوده و بر این عقیده هستند که مدیریت شهر می‌بایست در دست شهروندان و یا منتخبین آنها مانند شورایی‌ها باشد، اما به این حال به چند علت نسبت به مشارکت جویی در مدیریت شهر در شرایط کنونی کم تمایل هستند. پرهزینه بودن امر مشارکت در مدیریت شهر در مقایسه با آثار و فواید آن، بی‌تمایلی مسئولین و متولیان امور نسبت به استفاده از مشارکت شهروندان در مدیریت شهر، درگیری با مسائل و مشکلات متعدد زندگی و نداشتن فرصت کافی، آشکار شدن جهت‌گیری‌های اعتقادی، مذهبی و سیاسی فرد و فقدان سازوکارهای مناسب برای جلب مشارکت شهروندان از مهمترین علل کم تمایلی شهروندان به مشارکت در مدیریت شهر است. همچنین باید گفت برخلاف تصور جامعه خصوصی شهرسازی کشور مبنی بر قرارگیری مشارکت شهروندان به عنوان مهمترین خواسته و مطالبه عمومی، مسئولیت پذیری، پاسخگویی و عدالت محوری مهمترین ویژگی‌های مدیریت شهری مطلوب از دید شهروندان تهرانی است.

کلمات کلیدی: مدیریت شهری، حکمروایی خوب شهری، شهروندان، متخصصین، تهران

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۶۸۷۴۲۱۵، رایانامه: amirsameni1384@gmail.com

این مقاله مستخرج از بخشی از رساله نگارنده اول با موضوع «تدوین مدل سنجش و ارزیابی مدیریت مطلوب شهری در کلانشهر و شهرداری تهران» است که در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین ارائه گردیده است.

مقدمه

تفکر و عمل برای اداره امور شهرها را می‌توان همزاد با پیدایش نخستین شهرها در تاریخ دانست. بررسی‌های تاریخی و شواهد و اسناد حاکی از آن است که همزمان با ظهور شهرها ایده چگونگی مدیریت آنها، همواره یکی از بزرگترین دغدغه‌های حکومت‌ها بوده است. پایداری و برقراری بسیاری از شهرها در طول تاریخ مانند آتن، رم، قاهره و یا شهرهایی چون اصفهان، شیراز و... نشان دهنده وجود یک نظام مدیریت شهری منسجم در پس این شهرها بوده است.

بی‌شک امروز نیز که جهان با روند فزاینده شهرنشینی، فرایند جهانی شدن و همگون‌سازی فرهنگی، گسترش ارتباطات و IT، گسترش بخش غیررسمی اقتصاد، بحران‌های فراوان اقتصادی و زیست محیطی و... روبه‌رو است مدیریت شهری - که در واقع مدیریت بر موتور توسعه جوامع مدرن و متمرکزترین نقاط تجمع بشری است - یکی از کانونی‌ترین موضوعات در هر جامعه و کشوری است.

مفهوم مدیریت شهری، از آن رو که با «شهر» به عنوان پیچیده‌ترین مصنوع بشری سروکار دارد، دربرگیرنده ابعاد و وجوه مختلف شهرنشینی، مانند اقتصاد و مالیه شهری، زیرساخت‌ها و تاسیسات شهری، فرهنگ شهری، جامعه شناسی شهری، جرائم شهری، امنیت شهری، زیباسازی شهری، برندینگ شهری، رقابت شهری و... خواهد بود. این گستردگی وظایف و اهداف موجب عدم ارائه تعریفی مشخص و جهانشمول برای مدیریت شهری شده است. از همین رو اشترن^۱ در سال ۱۹۹۳ میلادی در مقاله خویش، مدیریت شهری را واژه‌ای غامض و بسیار گیج کننده توصیف کرده است (بهرامی نژاد، ۱۳۸۳، ج ۲: ۶۳).

پس از مورد توجه قرار گرفتن مدیریت شهری این

بار در مفهوم مدرنش در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، تحولات قابل توجهی درباره تبیین مفهوم، ابعاد، مشخصات، شرح وظایف و حوزه عملکردی مدیریت شهری در طی سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ صورت گرفت. سال‌های اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوائل دهه ۱۹۹۰ میلادی را باید دوران نوزایی مفهوم مدیریت شهری دانست. در واقع با مطرح شدن جدی و فراگیر نقش مردم در فرایند مدیریت و برنامه‌ریزی، رویکرد برنامه‌ریزی و مدیریت مشارکتی به تدریج به مهمترین پارادایم عرصه شهر و شهرسازی تبدیل گردید.

جهان گستر شدن رویکرد بهره‌گیری از مشارکت مردم و توجه به آراء و نظرات آنان، نقطه عطفی در سیر تحولات مفهوم مدیریت شهری گردید و موجب شد تا شرایط برای گذار از مفهوم سنتی و کلاسیک «مدیریت شهری» (که تنها تداعی کننده وظایف سنتی مانند برنامه‌ریزی، سازماندهی، کنترل و انگیزش بود) به مفهوم نوظهور «حکمرانی شهری» فراهم گردد. حکمرانی شهری گامی جلوتر از حکومت شهری (مدیریت شهری) بوده و در برگیرنده همه عناصر تاثیرگذار - ذینفعان و ذی نفوذان - در اداره جامعه می‌باشد. این چارچوب تاریخی و معرفتی جدید که برگرفته از فرهنگ لیبرالیسم و پلورالیسم غرب بوده و در شرایط و مختصات آن جوامع طرح شده است، در پی پاسخگویی به مشکلات ناشی از شیوه اداره کنونی شهرها است. از همین رو باید گفت جان‌مایه اساسی مفهوم حکمرانی شهری توزیع و تقسیم قدرت در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی و کاهش تمرکز از قدرت مرکزی است. اگر مدیریت شهری را عکس‌العملی سازمانی به موضوع برنامه‌ریزی شهری از طریق ایجاد نهادی وابسته به حاکمیت برای تمشیت امور شهرها بدانیم، حکمرانی شهری در پی ساختارسازی‌های جدید، ایجاد نهادهای

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۳ زمستان ۹۷
No.53 Winter 2019

■ ۹۴ ■

دموکراتیک، سهمیم کردن همگان در اداره شهرها و به عبارتی بهتر کاهش تصدی گری حکومت و واگذاری وظایف به مردم بوده است (از جمله ن.ک. به اظهاری و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۲-۱۳).

امروزه نیز با توجه به رویکردهای متاخر «عدم برنامه‌ریزی»^۲ که در اروپا به تازگی بر سر زبان‌ها افتاده است، مبحث حکمروایی شهری - به مفهوم اداره‌ی امور شهرها با بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های مشارکت مردمی و ذینفعان و ذی‌نفعان - دارای اهمیتی صدچندان شده و تحولاتی را در همین راستا پذیرا شده است (Siegel, ۲۰۱۰).

نگارندگان برآنند تا در این مقاله با لحاظ قراردادن ویژگی‌ها و مختصات جامعه ایرانی نسبت به ارزیابی میزان تطابق میان دیدگاه‌های شهروندان و متخصصین مسائل شهری درباره اولویت‌های مدیریت شهری مطلوب اهتمام نمایند. یکی از مهمترین دلایلی که نگارندگان را در اندیشه بررسی مفهوم مدیریت شهری مطلوب در ایران سوق داد این موضوع بود که نتیجه یک تحقیق دانشگاهی نشان داده است که بسیاری از مردم تهران، هنوز پس از گذشت چندین سال از کنار رفتن غلامحسین کرباسچی از شهرداری تهران، وی را بهترین شهردار تهران می‌دانند؛ در حالیکه قاطبه طیف کارشناسی و علمی کشور وی را به علت ابداع پدیده‌هایی چون فروش مازاد تراکم و توافق با مالکین، یکی از مهمترین افراد موثر بر انحطاط نظام مدیریت شهری و شهرسازی کشور در سراسر کشور قلمداد می‌کنند (براتی، ۱۳۸۶: ۲۳). در واقع سوال اساسی این جاست چرا بین دیدگاه طیف کارشناسی کشور در قبال رویدادها و اتفاقات دوره‌ای از مدیریت شهری کشور با دیدگاه‌های مردم، فاصله وجود دارد؟ آیا معیارهای مطلوبیت مدیریت شهری در نظرگاه مردم با مبانی و پیش فرض‌های علم مدیریت شهری متفاوت است؟ آیا مردم توانایی تحلیل و اظهارنظر درست درباره

وقایع و سیاست‌های مدیریت شهری کشور را دارند و می‌توان نظر آنان را ملاک عمل قرار داد؟ آیا علت اساسی این تفاوت دیدگاه عدم شناخت جامعه علمی و تخصصی شهرسازی و مدیریت شهری کشور از ویژگی‌ها، مشخصات و روحیات مردمان این مرز و بوم است؟ آیا مجموعه رویدادها و فعالیت‌های صورت گرفته در حوزه مدیریت شهری کشور اعم از پژوهش و امور اجرایی در راستای تحولات جامعه ایرانی گام برمی‌دارد؟

مهمترین هدف مورد توجه در این پژوهش، این است که با توجه به جمیع ویژگی‌های جامعه ایرانی، حاکمیت و ارزش‌های نهادینه شده در آن، مدیریت شهری مطلوب از نظرگاه نظریات و تجربیات جهانی و نیز نظرات مردمی و طیف کارشناسی و تخصصی چه ویژگی‌ها و مختصاتی داشته و آیا حرکت به سوی حکمروایی شهری یا تاکید بر مشارکت مردم در اداره امور شهر، می‌تواند سبب مطلوب سازی مدیریت شهری از دیدگاه مردم شود. از همین رو تحقیق حاضر بر مبنای این هدف، نوعی تحقیق بنیادی و کاربردی به شمار می‌رود.

۲- پیشینه تحقیق

• مدیریت شهری

مدیریت شهری، به مفهومی که در سال‌های اخیر رایج شده با الگوهای متفاوتی تعریف می‌شود. اگرچه در عصر باستان و از ابتدای پیدایش شهرها نیز اشکالی از آن قطعاً وجود داشته است، ولی با این حال رویکرد نوین «مدیریت شهری» محصول ضرورت‌های ایجاد شده در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و جغرافیایی به ویژه پس از دوران صنعتی شدن بوده است. مدیریت شهری را می‌توان فرایندی سیستماتیک در قالب رشد و توسعه شهر نامید که از دو جزء اصلی تشکیل شده است: یکی «مدیریت» و دیگری «شهر». مفهوم مدیریت نوعی عمل تصمیم‌گیری



است که در بردارنده برنامه‌ریزی، سازماندهی، نظارت و کنترل است. این عوامل یک رابطه تعاملی با یکدیگر دارند. شهر نیز نوعی خلاقیت بشری برای استمرار زندگی بهتر و مناسب است (لطیفی، ۱۳۸۴: ۱۶۳).

مفهوم نوین «مدیریت شهری» از مفهوم صرف اداره امور شهر فراتر می‌رود و با ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پیوند می‌یابد و نقش فعالیت‌های در توسعه پیدا می‌کند. بنابراین مدیریت شهری عبارت از سازماندهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیازهای ساکنان شهرها است. با توجه به اینکه شهر دارای نظامی باز است، مدیریت شهری بیش از حیطه کالبدی شهر را در بر می‌گیرد (پاپلی یزدی و سناجردی، ۱۳۸۲: ۳۲۴ و صرافی، ۱۳۷۹: ۸۰).

موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی و طبیعی سرزمین ایران در طول تاریخ، موجب شده است تا اهمیت و جایگاه شهرها به تدریج از دوره سلوکیان به بعد همواره پررنگ‌تر از روستاها و سایر نوع سکونتگاه‌ها باشد. در نتیجه حکومت‌های مستقر در ایران که همواره داعیه امپراطوری بر جهان داشته‌اند، نسبت به مدیریت شهرها در سرزمین ایران توجه ویژه‌ای داشته‌اند. در بیشتر تاریخ ایران حکومت مرکزی مستقر در ایران یک پایتخت داشته که پادشاه در آن جلوس دارد و یک سری سکونتگاه‌ها (مانند تقسیم بندی‌های چون مانند ایالت، ولایت، کوره، رستاق یا مصر و مدینه و قصبه) که یک حاکم بر آنها حکومت می‌کرده است؛ حاکمی که نیروی نظامی یا سپاه را در اختیار دارد و نیز بازار را کنترل می‌کند. در این محیط روستا نقش تامین کننده مواد غذایی شهر را دارد و شهر امنیت تجارت را برای روستا تامین می‌کند. به این ترتیب شهرها کانون‌های اصلی ایجاد امنیت نظامی و اقتصادی بوده‌اند (برای مطالعه بیشتر ن.ک. به اشرف، ۱۳۵۲).

در ایران باستان، گذشته از سازمان‌های اداری منطقه‌ای که در شهرها مستقر بودند، از نظر حکومت داخلی نیز شهرها سازمان اداری خاصی

داشتند. امور عمده اداری و سیاسی شهرها را می‌توان به چند گروه تقسیم کرد: امور انجمن‌ها و سازمان‌های اجتماعی و اقتصادی شهری، امور قضایی و امور انتظامی شهرها. اداره امور اصناف و بازرگانان و محلات شهر ابتدا با رئیس و بعدها با کلانتر شهر بود امور قضایی را به طور کلی سه گونه دادگاه حل و فصل می‌کرد: محاکم مظالم، محاکم شرع و محاکم حسبت. امور انتظامی شهر با داروغه و عسس‌ها (پاسبانان) بود. کلانتر تا حدی وظایف شهردار را برعهده داشت و داروغه، در واقع، رئیس شهربانی بود و در راس هر یک از محاکم سه گانه، به ترتیب حاکم، قاضی و محتسب قرار داشت (اشرف، ۱۳۵۲: ۲۳-۲۴؛ سعیدینیا، ۱۳۸۳: ۱۲۴-۱۲۵).

این نوع سیستم مدیریت شهری، با جرح و تعدیل‌های و تغییراتی تا اواخر دوره قاجاریه بر شهرها حکمفرما بود، تا اینکه جوانه زدن نهضت مشروطیت و تشکیل مجالس شورای ملی و آغاز قانون گذاری موجب شروع تغییراتی گسترده در همه شئون کشور گردید. یکی از مهمترین موارد تاثیرگذار بر مدیریت شهرها در ایران، تصویب قانون بلدیه در سال ۱۲۸۶ ه.ش بود. بر اساس این قانون که حاوی ۵ فصل و ۱۰۸ ماده بوده و می‌توان گفت عیناً ترجمه از قوانین مدیریت شهری کشورهای غربی چون بلژیک و فرانسه می‌باشد.

از سال ۱۳۴۲ به بعد نیز در پی رویدادهایی چون تشکیل وزارت مسکن و آبادانی، تشکیل شورایی عالی شهرسازی، تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی و ... امر برنامه‌ریزی شهرها دستخوش تحولات فراوانی شده و همین امر مدیریت شهری را با چالش‌ها و موضوعات جدیدی مواجه ساخت. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی مردم ایران در سال ۱۳۵۷ و تغییر بنیادین در همه عرصه‌ها، گمان می‌رفت مدیریت شهری بتواند فقدان مشروعیت حاصل از نارضایتی اجتماعی مردم از حکومت پهلوی را با سازوکارها و مدل‌هایی برآمده از جامعه ایرانی جبران نموده و مشروعیت و مطلوبیت مدیریت شهری را

توامان ایجاد نماید. اما با این حال باید گفت عرصه مدیریت شهری یکی از کمترین تغییرات را در مقایسه با سایر عرصه‌ها پذیرفته و حتی تاسیس شوراهای اسلامی شهر که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به صراحت بر آن تاکید شده است با دو دهه تاخیر به اجرا گذاشته شد. با این حال شروع دوران اصلاحات که با مطرح شدن جدی و رسمی مقولاتی چون جامعه مدنی، شهروندی، شایسته‌سالاری و ... همراه بود می‌توانست طلیعه جدیدی را در عرصه مدیریت شهری ایران به شمار آید، اما عقیم ماندن این جریان نیز نتوانست مدیریت شهری را در مقابل سیل مطالبات به حق و کثیر شهروندان برای مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، برنامه‌محوری، تخصص‌گرایی، شهروندمداری و ... مدیریت شهری (به خصوص مدیران شهری) در امان نگاه دارد و مدیریت شهری مجبور شد تا به نوسازی خود در چارچوب این مطالبات عمومی همت گمارد. بنابراین باید گفت در دوره سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۶ ه.ش، نه تنها بحران مشروعیت نظام مدیریت شهری از بین نرفت بلکه با تشدید آن و افزوده شدن بحران اختیار و اقتدار و نیز بحران تامین مالی شهرداری‌ها، مدیریت شهری و از آن ره نظام شهری کشور در شرایط بحران جدی فقدان الگو و پارادایم، روز به روز به سمت گسترش نارضایتی جامعه شهری و ناپایداری توسعه پیش رفت (کامروا، ۱۳۸۴: ۲۱۱).

نیم‌نگاهی به وضعیت مدیریت شهری در ایران نشان می‌دهد به دلایلی چون تمرکزگرایی، برونزا بودن برنامه‌ها و طرح‌های شهری، اقتصاد رانتهی و مبتنی بر نفت، مدیریت شهری در سیطره دولت است و مدام از مدیریت یکپارچه و سیستمی فاصله گرفته و در گرداب مدیریت بخشی و سلولی گرفتار آمده و از روند شهرنشینی و مسائل حاصل از این شهرنشینی، عقب مانده و در دیدگاه‌ها و نگرش‌های از بالا به پایین گرفتار گردیده است. نتایج یک سده مدیریت شهری نوین در ایران به خصوص در کلانشهرها نشان می‌دهد ویژگی‌های اصلی زیر در

مدیریت شهری ایران عموماً حاکم است:

- تکیه بر ساختارها و نهادهای متمرکز و غیردموکراتیک و بی‌توجهی به نهادهای عمومی و مدنی؛
- کسب درآمد ناپایدار و رانتهی برای تامین خدمات شهری؛
- مدیریت و برنامه‌ریزی از بالا به پایین به جای مدیریت و برنامه‌ریزی از پایین به بالا؛
- کوتاهی عمر دوران مدیریت مدیران شهری؛
- بی‌مسئولیتی و بی‌برنامه‌گی و تاکید بر نگرش بخشی به جای نگرش سیستمی؛
- تکیه بر پروژه محوری به جای توسعه محوری، تاکید بر جنبه‌های رشد شهری به جای توسعه شهری و تکیه بر فردمحوری به جای برنامه محوری؛
- چندپارگی در مدیریت و تصمیم‌گیری، چه در ارتباط با دیگر نهادهای ذی‌ربط و چه در درون شهرداری؛
- عدم شفافیت و پاسخگویی، عدم حسابرسی و اطلاع‌رسانی؛
- بی‌توجهی به آموزش شهروندان و مدیران و کارکنان نهادهای خدمات رسان شهری (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۴۷).
- گذار از مدیریت شهری به حکمروایی شهری جهان پس از پایان جنگ جهانی دوم شاهد تحولات و رویدادهای تاثیرگذاری بود که دگرگونی‌های عمیقی بر زندگی نوع بشر گذاشت به طوریکه برخی از اندیشمندان از جنگ جهانی دوم که میلیون‌ها کشته برجای گذاشت به عنوان یک موهبت الهی یاد می‌کنند. پیشرفت روزافزون و حیرت برانگیز علم و صنعت، توسعه بهداشت عمومی و دانش پزشکی، پایان تدریجی دوران استعمار و آغاز دوران امپریالیسم، تشکیل دولت - ملت‌ها و سقوط حکومت‌های توتالیتر، مدرنیته و بسط مدرنیزاسیون، دموکراتیزاسیون فرایندها و روندهای مدیریتی، فوردیسم و پساوردیسم،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۳ زمستان ۹۷
No.53 Winter 2019

■ ۹۷ ■

جهانی سازی و تبدیل آن به دهکده جهانی، رشد چشمگیر جمعیت به ویژه جمعیت شهرها، گسترش فزاینده بخش خصوصی و ... مسئولیت‌های فراوانی را برای بخش عمومی و در رأس آنها دولت‌ها قرار داد. با گذشت زمان، سازمان‌های بین‌المللی که به موضوع توسعه می‌پرداختند به نقش بسیار موثر نهادهای قدرت در پیشبرد آن پی برده و دریافتند که توسعه، فقط به چند فرمول اقتصاد کلان و ایجاد چند رابطه بازاری و غیربازاری در اقتصاد محدود نمی‌شود. بنابراین کوشیدند تا بدون ورود به مباحث ایدئولوژیک به تعریف علمی و عملی از رابطه قدرت با جامعه بپردازند. به این ترتیب مفهوم جدید و نوظهوری به نام حکمروایی خوب^۳ به شکل فنی با توسعه آمیخته شده و رنگ ایدئولوژی را از خود زدود تا بتوانند در جایی چون سازمان ملل مطرح شود (اطهاری و دیگران، ۱۳۸۶: ۸). این مبحث در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی به ویژه در کشورهای در حال توسعه با هدف دستیابی به توسعه انسانی پایدار مطرح شد و در آن بر سیاست‌هایی نظیر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدیدحیات محیط زیست و رشد و توسعه زنان، تاکید داشت.

به این ترتیب بعد از گذار از رویکرد برنامه‌ریزی بلوپرینتی به رویکرد مدیریت شهری در اوائل دهه ۱۹۸۰ میلادی، در اوائل دهه ۱۹۹۰ میلادی نیز رویکرد مدیریت شهری دولت مدار به رویکرد حکمروایی شهری تحول یافت (کاظمیان، ۱۳۸۶: ۶). نطفه اولیه مفهوم حکمروایی شهری را باید در اولین دستور جلسه کنفرانس سالانه فیلادلفیا در خصوص حاکمیت شایسته شهری^۴ در سال ۱۸۹۴

میلادی جست. عنوان حاکمیت شایسته از اواخر قرن نوزدهم در پاسخ به مشکلات و فساد مدنی در حاکمیت کارفرمایان و دستگاه‌های سیاسی پدید آمد (جهانشاهی، ۱۳۸۶: ۴۸). اما پس از چندی در پی تحولات سیاسی اروپا عقیم ماند تا اینکه در دهه پایانی قرن بیستم بار دیگر بر سر زبان‌ها افتاد. در اواخر قرن بیستم واژه مدیریت از معنی اولیه آن در قرن شانزدهم که به معنای مهار و کنترل اسب‌ها و بعدها انسان (برنامه‌ریزی، نظارت، کنترل و انگیزش) بود فاصله گرفته و در حال دست یافتن به معنایی جدید گردید. جهانی شدن اقتصاد، افزایش رقابت بین شهرها و یا جنگ مکان‌ها^۵، گذر از دولت رفاه به سمت دولت‌های مبتنی بر بازار آزاد و سرمایه داری، گسترش همگون سازی فرهنگی و نزدیک شدن فرهنگ‌ها به یکدیگر و غیره موجب شد تا شهرها برای دستیابی به رشد و جذابیت فزاینده، چیزی بیش از آنچه در سیستم «مدیریت شهری» وجود داشت، نیاز داشته باشند. از این رو به عقیده کالبعج، حکمروایی به طور روزافزونی مورد توجه قرار گرفت (برک پور و اسدی، ۱۳۸۸: ۱۸۳-۱۸۷).

• حکمروایی شهری^۶

حکمروایی^۷ که قدمتی به اندازه تمدن بشری دارد، مشتق شده از لغات یونانی (Kybeman) و (Kybernetes) به معنای «هدایت کردن» و «راهنمایی کردن» بوده و اشاره به پاسخگو بودن در حوزه سیاست‌گذاری و اجرا دارد (فرزین پاک، ۱۳۸۳: ۶۸؛ مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۸۹: ۵؛ Astleithner & Hamedinger, ۲۰۰۳, Chan & HU, ۲۰۰۴: ۵). این مفهوم در طی اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی و دهه ۱۹۹۰ میلادی

3. Good Governance 4. Good City Government 5. Place War

۶. با وجود این، اکثر صاحب نظران داخلی معتقدند، به جای ترکیب عربی-فارسی «حکمروایی»، واژه «حاکمیت» را معادل (Governance) میتوان به کار برد و به جای واژه «خوب»، واژه «شایسته» را معادل (Good) قرار داد (اطهاری، برک پور، کاظمیان و مهدیزاده، ۱۳۸۶: ۹). واژه «حاکمیت شایسته» به چند دلیل بر واژه ای چون حکمرانی یا حکمروایی خوب ترجیح دارد. حکمرانی یا حکمروایی مترادف با حکومت (Government) است که در عین حال به قدرت حاکم (ریاست قوه مجریه) نیز اطلاق میشود؛ در صورتی که حاکمیت، چیزی بیش از صرف اعمال اقتدار توسط حکومت است... به نظر میرسد حاکمیت با حکومت یکسان نیست. حاکمیت یک فرایند است تا یک محصول، فرایندی که در سطوح مختلفی عمل میکند و واژه حاکمیت گویای معنای «Government» است.

7. Governance

به یکی از واژه‌های محوری علوم اجتماعی، به ویژه در حوزه نظریه سیاسی، علوم سیاسی و جغرافیای انسانی تبدیل گردید.

جامع‌ترین تعریف درباره حکمروایی در سال ۱۹۹۵ توسط بانک جهانی چنین ارائه شده است: «حکمروایی مجموعه‌ای از روش‌های فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که امور مشترک مردم را اداره می‌کند. حکمرانی فرایندی پیوسته است که از طریق آن منافع متضاد یا متنوع را همساز نموده و اقدام همکاری جویانه اتخاذ می‌گردد. حکمروایی شامل نهادهای رسمی و نظام‌هایی است که برای تضمین رعایت قانون، قدرت پیدا کرده‌اند، همچنین قراردادهای غیررسمی که مردم و نهادها بر سر آن توافق نموده یا درک می‌کنند که به نفع آنهاست» (اطهاری، ۱۳۸۶: ۳۳؛ Evans & Joas, ۲۰۰۵: ۳-۴). بنابراین حکمروایی به مفهوم ساماندهی عمل جمعی متضمن مفاهیم زیر است: وجود قلمرو تعریف کننده جمع^۸، وجود نفع جمعی^۹ و توان تنفیذ نفع جمعی^{۱۰} (آخوندی، ۱۳۸۶: ۵).

با پیش بینی استقرار بیش از ۶۶ درصد جمعیت جهان در شهرها تا سال ۲۰۲۰ میلادی، جهان در حال تبدیل به جهانی شهری است. از این رو مدیریت شهری در آینده به طور اعم و در قرن بیست و یکم به طور اخص، درگیر نوعی چالش خواهد بود؛ چالشی که خود تابعی از تغییر و تحولات فناورانه، جمعیتی، اقتصادی و سیاسی و بین‌المللی محسوب می‌گردد. شدت یافتن روزافزون مقیاس و گستردگی و نیز پیچیدگی مسائل شهرها و همچنین آشکار شدن بی‌کفایتی سیستم‌های سنتی بورکراتیک و تصمیم‌گیری بالا به پایین، سبب شده است گرایش به سوی سیستم‌هایی به وجود آید که در آن تصمیمات بزرگ و کوچک با اشتراک بین صاحبان منافع شهری اتخاذ شوند. از این رو در پی بروز این چالش‌های عمده در نظام شهرنشینی و نیز طرح دیدگاه‌ها و رویکردهایی نوظهور مانند توسعه

پایدار و شهر انسانگرا، «حکمروایی خوب شهری» به عنوان اثربخش‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت شهرها مطرح و جهانگستر گردید (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۴۵-۴۶).

منظور اصلی از تحقق حکمروایی شهری، تبدیل مدیریت توسعه شهری آمرانه، اقتدارگرا و یکسویه به مدیریت چند سویه و مشارکت طلبانه است. بنابراین به منظور گذار از حکومت شهری به حکمروایی شهری و تحقق مردم‌سالاری و حکمروایی در نظام تصمیم‌گیری شهری، نیل به اهداف زیر ضروری است:

- ۱- تامین حقوق شهروندی؛
 - ۲- ایجاد قانونمندی در نظام هدایت توسعه شهری؛
 - ۳- افزایش شفافیت در نظام هدایت توسعه شهری؛
 - ۴- افزایش پاسخدهی مسئولان اداره شهر به نیازهای شهروندان؛
 - ۵- ایجاد توافق و تفاهم میان کارگزاران هدایت توسعه شهری؛
 - ۶- تامین عدالت اجتماعی و نفع همگانی در توسعه شهری؛
 - ۷- افزایش اثربخشی و کارایی نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری؛
 - ۸- افزایش مسئولیت و پاسخگویی دستگاه‌ها و کارگزاران شهری؛
 - ۹- ایجاد و ارتقای بینش راهبردی در نظام هدایت توسعه شهری (برک پور، ۱۳۸۵: ۵۱۲).
- حکمروایی شهری بطور درهم‌تنیده‌ای به رفاه شهروندان ارتباط دارد. حکمروایی خوب شهری باید زنان و مردان را توانمند سازد تا به مزیت‌های شهروندی شهری دسترسی یابند. حکمروایی خوب شهری، بر اساس اصل شهروندی شهری پایه‌گذاری شده است، که تصدیق می‌کند که هیچ مردی، زنی یا بچه‌ای نمی‌تواند دسترسی‌اش به نیازهای اساسی زندگی شهری انکار شود، این نیازها شامل پناهگاه مناسب، امنیت تصرف، آب سالم، بهداشت،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۳ زمستان ۹۷
No.53 Winter 2019

■ ۹۹ ■

یک محیط پاکیزه، سلامتی، آموزش و تغذیه، اشتغال و امنیت عمومی و مهاجرت است. از طریق حکمروایی خوب شهری، برای شهروندان بستری فراهم می‌شود که به آنها اجازه می‌دهد تا از استعدادهایشان بطور کامل جهت بهبود بخشیدن به شرایط اجتماعی و اقتصادی شان استفاده کنند. در حکمروایی شهری «شهرداران» نقش رئیس اصلی اجرایی شهر را برعهده دارند که قدرت آنها متکی به آراء مستقیم یا غیرمستقیم مردم از طریق شوراهای شهر و انتخاب مردم است. مشارکت مردم در اداره، ساماندهی شهر اقدام‌های اجرایی، اساس حاکمیت شایسته شهری به شمار می‌آید (مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۸۹: ۲۳).

در مجموع از تحلیل و مقایسه تعاریف گوناگون حکمروایی، مبانی مشترک زیر را می‌توان استنتاج کرد:

- حکمروایی شهری، مفهومی گسترده‌تر و فراگیرتر از حکومت شهری است؛
 - حکومت شهری، مجموعه‌ای از سازمان‌ها و نهادهای رسمی اداره شهر است، حال آنکه حکمروایی شهری نوعی فرایند و ارتباط میان حکومت شهری و شهروندان است؛
 - حکمروایی شهری، هم حکومت شهری و هم جامعه مدنی را در برمی‌گیرد؛
 - تحقق حکمروایی شهری مستلزم کنش متقابل بین نهادهای رسمی و دولتی و نهادهای جامعه مدنی است؛
 - حکمروایی شهری بر حقانیت و تقویت عرصه عمومی تاکید می‌کند؛
 - حکمروایی شهری به دلیل شرکت نهادهای گوناگون جامعه مدنی در مدیریت و اداره شهر، می‌تواند به سازگاری منافع و رفع تعارض‌ها منجر شود (برک پور، ۱۳۸۴: ۴۹۸).
- از همین رو با توجه به معیارهای مطرح شده UN-HABITAT و نیز مسائل و ویژگی‌های مدیریت شهری در ایران، دکتر ناصر برک پور در پایان نامه

دکتری شهرسازی خود با عنوان «گذار از حاکمیت شهری به حکمروایی شهری» (۱۳۸۱) معیارهای مطلوب حکمروایی شهری در شهرهای ایران را به شرح زیر معرفی کرده است:

۱- مشارکت شهروندان؛ مشارکت بوسیله مردان و زنان شالوده کلیدی حکمروایی خوب است. مشارکت می‌تواند مستقیم یا از طریق نهادهای میانجی قانونی یا نمایندگی باشد. لازم است اشاره شود که دموکراسی نمایندگی لزوماً به معنای این نیست که آسیب پذیرترین اقشار در جامعه ملاحظاتی شان در تصمیم‌سازی لحاظ خواهد شد. مشارکت نیاز به اطلاع‌رسانی و سازماندهی دارد. این به معنای آزادی انجمن‌ها و بیان از یکطرف و جامعه مدنی سازمان یافته از طرف دیگر است. بنابراین منظور از مشارکت شهروندان، قدرت تاثیرگذار بر تصمیم‌گیریها و سهم‌شدن شهروندان در قدرت است.

۲- اثربخشی و کارایی؛ حکمروایی خوب معنایش این است که فرایندها و نهادهایی که پیامدهایی را برای برآورده شدن نیاز جامعه تولید می‌کنند بهترین استفاده از منابع در دسترس شان را ایجاد کنند. معنای کارایی در زمینه حکمروایی خوب نیز استفاده پایدار از منابع و حفاظت از محیط را پوشش می‌دهد.

۳- پذیرا بودن و پاسخده بوده؛ این معیار، دو نکته مکمل هم را در بردارد. مسئولان شهری باید هم نیازها و خواسته‌های شهروندان را دریابند و بپذیرند و هم نسبت به آن واکنش و پاسخ مناسب را از خود نشان دهند. بنابراین همسویی خواسته‌های شهروندان و اقدام مسئولان، ضروری است.

۴- مسئولیت و پاسخگویی؛ مسئولیت پذیری یک نیاز کلیدی برای حکمروایی خوب است. نه فقط نهادهای دولتی بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی باید نسبت به عموم و سهامداران سازمانی‌شان مسئولیت پذیر باشند. مسئولیت پذیری نمی‌تواند بدون شفافیت و حاکمیت قانون اجرا شود.

۵- شفافیت؛ شفافیت، نقطه مقابل پنهانکاری در تصمیم‌گیری است. پنهان کاری، امکان بروز فساد در تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد، حال آنکه شفافیت مانع از گسترش آن می‌شود. این معیار بر گردش آزاد اطلاعات و سهولت دسترسی به آن، وضوح اقدامات و آگاهی مستمر شهروندان از روندهای موجود استوار است.

۶- قانونمندی؛ حکمروایی خوب نیاز به چارچوب‌های قانونی مشروع دارد که بی‌طرفی را اجرا کند. آن همچنین نیاز به محافظت کامل از حقوق انسانی و خصوصاً حقوق اقلیت‌ها دارد. اجرای بی‌طرفانه قانون نیاز به یک دستگاه قضایی مستقل و یک نیروی پلیس فساد ناپذیر و بی‌طرف دارد. پایبندی به قوانین، مستلزم آگاهی شهروندان از قانون و همچنین احترام مسئولان به قانون است.

۷- جهت‌گیری توافقی؛ بازیگران متعدد و نقطه نظرات زیادی در یک جامعه معین وجود دارد. حکمروایی خوب نیاز به میانجی‌گری منافع مختلف در جامعه دارد تا به یک توافق گسترده در جامعه بر حسب بهترین منفعت برای کل اجتماع و چگونگی دستیابی به آن برسد. آن همچنین به یک دورنمای بلند مدت و وسیع بر حسب چیزی که برای توسعه پایدار انسانی و چگونگی دستیابی به اهداف چنین توسعه‌ای لازم است نیاز دارد. این می‌تواند از طریق درک زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه یا اجتماع معین دست یافته شود. این کار مستلزم وجود ارتباط و تلاش میان سازمان‌های دولتی، شهروندان و سازمان‌های غیردولتی است.

۸- عدالت؛ منظور از عدالت، ایجاد فرصت‌های مناسب برای همه شهروندان در زمینه ارتقای وضعیت رفاهی خود، تلاش در جهت تخصیص عادلانه منابع و مشارکت افشار محروم در اعلام نظر و تصمیم‌گیری است.

یک جامعه خوب وابسته به این تضمین است که همه اعضایش احساس کنند که در آن سهم دارند و هیچکس احساس محرومیت از جریان اصلی جامعه

نکند. این نیاز دارد که همه گروه‌ها خصوصاً آسیب پذیرترین آنها، فرصت‌هایی برای بهبود بخشیدن یا حفظ کردن خوشبختی شان داشته باشند.

۹- بینش راهبردی؛ فرارفتن از مسائل روزمره شهر و پرهیز از غرق شدن در آنها، مستلزم وجود بینشی گسترده و درازمدت نسبت به آینده یا داشتن بینش راهبردی در زمینه توسعه شهری است.

۱۰- تمرکززدایی؛ طی مطالعات بانک جهانی، بیش از ۶۰ درصد کشورهای در حال توسعه در حال اجرای برنامه تمرکز زدایی هستند. این مفهوم بر واگذاری اختیار به سازمان‌ها و مراکز مختلف و صلاحیت نهادهای محلی بر انجام وظایف تاکید می‌کند. تمرکز زدایی بر اصل «تفویض مسئولیت به سطح پایین تر» استوار است.

۳- فرضیه‌ها، سوالات و سنجه‌های پژوهش

با توجه به طرح مسئله صورت گرفته، سوال اصلی پژوهش به صورت زیر است:

• چه تفاوتی میان دیدگاه شهروندان تهرانی و کارشناسان و صاحب نظران درباره مدیریت مطلوب شهری وجود دارد؟

بر اساس سوال مزبور، فرضیات زیر به عنوان فرضیات پایه پژوهش طرح می‌شوند:

• به نظر می‌رسد میان دیدگاه‌های مردم و کارشناسان و صاحب نظران جامعه علمی و حرفه‌ای شهرسازی کشور درباره اولویت‌های مدیریت شهری مطلوب تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

• مهمترین ویژگی مدیریت شهری مطلوب از دید شهروندان و نیز مطالبه عمومی جامعه از مدیریت شهری، مشارکت و نقش‌آفرینی در مدیریت شهری نیست.

در این پژوهش برای به دست دادن معیارها و ویژگی‌های مدیریت شهری مطلوب از دید مردم، در قالب سوالی باز از شهروندان خواسته شده است تا ویژگی‌ها و مشخصات مدیریت شهری مطلوب را بیان نمایند. همچنین در سوال دوم و در قالب ۹ گویه، برخی دیگر از ابعاد مدیریت شهری مطلوب



در معرض آراء مردم قرار خواهد گرفت. گویه‌های شماره ۱ تا ۳، اعتقاد به اهمیت و ضرورت اصل مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها را مورد سنجش قرار داده و گویه‌های شماره ۴ تا ۶ دیدگاه فرد درباره چگونگی مدیریت شهرها و نهاد متولی اداره آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. و گویه‌های شماره ۷ تا ۹ نیز به ارزیابی نظرات پاسخگویان نسبت به چگونگی عملکرد دو رکن مهم مدیریت شهری در تهران یعنی شوراهای و شوراییاریها پرداخته است.

این گویه‌ها عبارتند از:

(۱) تنها با همکاری و مشارکت همه شهروندان با نهاد مدیریت شهری می‌توان بر مشکلات و مسائل شهری غلبه کرد.

(۲) مدیریت شهری (شامل شهرداری، شورای شهر، سازمانها و وزارتخانه‌ها و ...) به تنهایی قادر به حل مسائل و مشکلات شهرها است.

(۳) مشارکت شهروندان در مدیریت شهر، تاثیر چندانی در بهبود اداره و مدیریت شهرها نخواهد گذاشت.

(۴) اداره امور شهرها می‌بایست در دست تنها یک نهاد و آن هم دولت باشد.

(۵) اداره امور شهرها می‌بایست در دست تنها یک نهاد و آن هم شهرداری هر شهر باشد.

(۶) اداره امور شهرها می‌بایست به وسیله نهادی همانند شوراییاریها باشد که متشکل از خبرگان، معتمدین و کارشناسان بوده و با آراء مستقیم شهروندان انتخاب می‌شوند و با نظارت و حمایت دولت و شهرداری فعالیت می‌کنند.

(۷) تشکیل شوراهای اسلامی شهر تاثیر زیادی بر بهبود کیفیت اداره شهر تهران در یک دهه اخیر داشته است.

(۸) ایجاد شوراییاریها موجب افزایش کارایی شورای شهر و شهرداری در حل مسائل و مشکلات محلات شهری شده است.

(۹) تشکیل شوراهای و شوراییاریها تاثیر چندانی در

اداره امور شهرها نداشته است.

مطابق با توضیحات پیش گفته، رکن رکین و وجه ممیزه میان دو مفهوم «مدیریت شهری» با مفهوم «حکروایی خوب شهری»، پررنگ-تر شدن حضور و نقش شهروندان در فرایند اداره امور شهرهاست. بررسی شاخص‌های ارائه شده برای معیارهای دهگانه حکروایی خوب شهری در فوق تایید کننده این دیدگاه است.

از این رو برای امکان‌سنجی تحقق حکروایی خوب شهری می‌بایست دیدگاه شهروندان نسبت به مشارکت و نقش آفرینی در اداره امور شهر مورد آزمون قرار گیرد. از این رو در سوال سوم ابتدا در گویه ۱ جایگاه و اهمیت شهر و مسائل شهری در نزد شهروندان مورد سوال قرار گرفته است. گویه‌های شماره ۲ تا ۴، میزان مشارکت جویی فرد در اداره امور شهر را مورد آزمون قرار خواهد داد و گویه‌های ۵ تا ۷ نیز تصور فرد درباره برتری فوائد مشارکت بر هزینه‌های مترتب بر آن در شرایط فعلی جامعه را ارزیابی خواهد نمود. همچنین گویه‌های ۸ تا ۱۰ نیز دیدگاه فرد نسبت به تمایل مسئولین جهت جذب مشارکت شهروندان را مورد سوال قرار داده تا مشخص شود که یک شهروند نسبت به تمایل مدیریت شهری به جلب مشارکت وی و سهیم کردن وی در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری چقدر اطمینان و اعتماد دارد.

گویه‌های سوال سوم عبارتند از:

(۱) مردم برای مسائل و مشکلات شهر محل زندگی خود پس از مسائل خانوادگی و معیشتی بیشترین اهمیت را قائل هستند.

(۲) من (حتی اگر فرصت کافی داشته باشم) هیچ علاقه‌ای به مشارکت در مدیریت شهر ندارم.

(۳) من علاقه زیادی به مشارکت در اداره امور شهر دارم اما به علت مسائل خانوادگی، دغدغه‌های معیشتی و شخصی و امثالهم فرصت کافی ندارم.

(۴) به نظر من سایر شهروندان تمایل زیادی برای مشارکت در اداره امور شهر دارند.

۵) در شرایط فعلی کار گروهی و جمعی برای اداره شهر در دسر زیادی داشته و نتیجه مثبتی هم در پی ندارد.

۶) در شرایط فعلی جامعه، آثار و نتایج مثبت مشارکت شهروندان در اداره امور شهر بیشتر از هزینه مشارکت در اداره امور شهر (گذاشتن وقت، پرداخت پول و ...) است.

۷) در شرایط فعلی چنانچه مشارکت در مدیریت شهر به پرداخت عوارض، مالیات و یا دادن پول بیشتر منجر شود، مردم آماده اند.

۸) مسئولین مدیریت شهر شامل شهرداری، شورای شهر و ارگان‌های دولتی تمایل چندانی به استفاده از مشارکت شهروندان در اداره امور شهر ندارند.

۹) مسئولین مدیریت شهر شامل شهرداری، شورای شهر و ارگان‌های دولتی تنها برای دریافت کمک‌های مالی از مشارکت مردم نام می‌برند.

۱۰) من نسبت به حسن نیت متولیان مدیریت شهر شامل شهرداری، شورای شهر و ارگان‌های دولتی درباره مشارکت شهروندان خوش بین هستم.

در سوال چهارم، که در راستای مباحث مطرح شده در سوال قبل در رابطه با موضوع مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها است، از پاسخگویان خواسته شده تا در قالب سوالی باز، در صورت موافقت با کم تمایلی افراد جامعه به مشارکت در اداره امور

شهر، مهمترین دلیل شهروندان در عدم تمایل به مشارکت در مدیریت شهر و واگذاری آن به دولت و شهرداری را بیان نمایند.

در سوال پنجم نیز از پاسخگویان خواسته شده است تا با توجه به جمیع اطلاعات و آگاهی‌های خود از میان ۸ گزینه ارائه شده، ۳ مورد از مهمترین معضلات حال حاضر نظام مدیریت شهری کشور را معرفی نمایند تا از این طریق مهمترین دغدغه‌های مردم درباره سیستم مدیریت شهری آشکار گردد.

همچنین در سوال ششم نیز از شهروندان خواسته شده است تا پس از مطالعه ۱۰ ویژگی و معیار ذکر شده برای حکمروایی خوب شهری، با دادن

نمراتی از ۱ تا ۱۰، آنها را وزن دهی نمایند تا از این طریق مهمترین مطالبات مردم از یک نظام مدیریت شهری مطلوب توسط خودشان اولویت بندی شود.

نتایج این سوال به همراه نتایج حاصل از پرسشنامه شماره ۳ روش دلفی برای پاسخگویی در جهت آزمون فرضیه دوم مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

همچنین برای آزمون فرضیه اول پژوهش که بر وجود تفاوت معنادار میان دیدگاه‌های جامعه علمی و تخصصی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری کشور و شهروندان عادی اشاره دارد، از روش دلفی برای جمع آوری نظرات کارشناسان و سپس اولویت بندی معیارهای مورد اجماع آنان استفاده خواهد شد.

در روش دلفی از اطلاعات شهودی دسترس پذیر شرکت کنندگان، یعنی کسانی که عمدتاً متخصص هستند، استفاده می‌شود. این روش، یک فرایند ارتباط گروهی با ساختاری نسبتاً محکم و قضاوت متخصصان درباره موضوعاتی است که به طور طبیعی، دانش کافی در آن باره وجود ندارد و یا جو

نایقینی بر آن حاکم است. در این مقاله با توجه به سوالات و فرضیات تحقیق، از ۱۰ کارشناس و متخصص حوزه‌های مختلف مسائل شهری (مدیریت شهری، برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری، جامعه شناس، جغرافیا و اقتصاد شهری) دعوت شده است تا به سوالات

دور اول روش دلفی پاسخ دهند. گروه کارشناسان با روش نمونه گیری غیراحتمالی و با شیوه گلوله برفی انتخاب شدند، به گونه‌ای که افراد متخصص، سایر

نایقینی بر آن حاکم است. در این مقاله با توجه به سوالات و فرضیات تحقیق، از ۱۰ کارشناس و متخصص حوزه‌های مختلف مسائل شهری (مدیریت شهری، برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری، جامعه شناس، جغرافیا و اقتصاد شهری) دعوت شده است تا به سوالات

دور اول روش دلفی پاسخ دهند. گروه کارشناسان با روش نمونه گیری غیراحتمالی و با شیوه گلوله برفی انتخاب شدند، به گونه‌ای که افراد متخصص، سایر

نایقینی بر آن حاکم است. در این مقاله با توجه به سوالات و فرضیات تحقیق، از ۱۰ کارشناس و متخصص حوزه‌های مختلف مسائل شهری (مدیریت شهری، برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری، جامعه شناس، جغرافیا و اقتصاد شهری) دعوت شده است تا به سوالات

جدول شماره ۱- شرکت کنندگان در روش دلفی

تخصص	تعداد
مدیریت شهری	۳
برنامه ریزی شهری	۲
جغرافیا	۱
طراحی شهری	۲
اقتصاد شهری	۱
جامعه شناس شهری	۱

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۳ زمستان ۹۷
No.53 Winter 2019

۱۰۳

متخصصین را مطابق جدول زیر معرفی می کردند. پیگیری ها نیز از طریق پست الکترونیک و یا مراجعه حضوری انجام گردید و ۱۰ روز نیز از مرحله ابتدا تا انتها به طور انجامید.

سوال دور اول که به صورت باز مطرح گردید عبارت بود از: "مهمترین معیارها و ویژگی های مدیریت شهری مطلوب از دید شما چیست؟ حداقل ۵ مورد را نام برده و دلیل خود را ذکر کنید."

در دور دوم، فهرست کاملی از ویژگی ها و معیارهای مدیریت شهری مطلوب مطرح شده توسط گروه متخصصین، ارائه و با استفاده از آماره هایمانند درصد فراوانی، به تجزیه و تحلیل اجمالی نتایج دور اول پرداخته خواهد شد. در این دور از پاسخگویان پرسیده خواهد شد که نظر خود را درباره موافقت و مخالفت با معیارهای به دست داده شده تشریح کنند.

سپس در دور سوم ۱۰ معیار نخست مورد توافق گروه متخصصین که ماحصل بررسی و تحلیل دوره های اول و دوم می باشد، دسته بندی شده و از آنها خواسته خواهد شد تا این معیارها را اولویت بندی نمایند.

۴- روش شناسی

مهمترین هدف مورد توجه در این پژوهش، این است که با توجه به جمیع ویژگی های جامعه ایرانی، حاکمیت و ارزش های نهادینه شده در آن، مدیریت شهری مطلوب از نظرگاه نظریات و تجربیات جهانی و نیز نظرات مردمی و طیف کارشناسی و تخصصی چه ویژگی ها و مختصاتی داشته و آیا حرکت به سوی حکمروایی شهری یا تاکید بر مشارکت مردم در اداره امور شهر، می تواند سبب مطلوب سازی

مدیریت شهری از دیدگاه مردم شود. از همین رو همانطور که ذکر گردید، تحقیق حاضر بر مبنای این هدف، نوعی تحقیق بنیادی و کاربردی به شمار می رود که در آن از روش پیمایشی (پرسشنامه ای و مصاحبه) برای کسب نظرات شهروندان و نیز روش دلفی برای جمع آوری نظرات متخصصین استفاده شده است (برای مطالعه بیشتر ن.ک. به حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۶۳-۷۹؛ آندرانویچ و ریپوسا، ۱۳۸۰: ۱۱۵-۱۱۸).

در این پژوهش به منظور سنجش روایی پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. به همین منظور در نرم افزار SPSS نگارش ۱۸ از طریق دستور SCALE آلفای کرونباخ گویه های ۲۰ گانه محاسبه گردیده است. دامنه آلفای کرونباخ می تواند بین صفر و یک باشد. هر چه آلفای کرونباخ به سمت ۱ میل کند، روایی پژوهش بیشتر بوده و اگر کمتر از ۰/۵۰ باشد ابزار کار تحقیق فاقد پایایی است. آلفای کرونباخ بین ۰/۵۰ تا ۰/۷۰ پایایی متوسط و قابل قبول را بیان می دارد و آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷۰ پایایی ابزار تحقیق را قابل قبول و خوب معرفی می نماید (کلانتری، ۱۳۸۹: ۷۵؛ برای مطالعه بیشتر ن.ک. به دواس، ۱۳۹۰: ۲۵۱-۲۵۳). محاسبه آلفای کرونباخ گویه های ۲۰ گانه توسط نرم افزار SPSS نشان داد که آلفای کرونباخ این ۲۰ گویه در حدود ۰,۶۸۹ می باشد که از مقدار قابل قبول ۰,۷ کمتر می شود. لذا با حذف یکی از گویه ها (گویه شماره ۱۱)، آلفای کرونباخ گویه های ۱۹ گانه به مقدار ۰,۷۴۰ رسید که مقداری قابل قبول است.

با توجه به عنوان پژوهش، جامعه آماری این تحقیق

جدول شماره ۲- جدول آلفای کرونباخ به دست آمده از گویه های ۱۹ گانه

Reliability Statistics		
Cronbach's Alpha	Cronbach's Alpha Based on Standardized Items	N of Items
.۷۴۰	.۷۵۸	۱۹

شهروندان کلانشهر تهران با سنین، جنسیت، تحصیلات، سواد، شغل و وضع درآمدی متفاوت می‌باشند که سنجش معیارها و شاخص‌های مدیریت شهری مطلوب از آنها صورت می‌گیرد. واحد آماری این پژوهش در میان جامعه شهروندان، تعداد خانوار است که البته با توجه به حجم گسترده جامعه آماری، نمونه‌گیری چند مرحله‌ای از جامعه آماری صورت پذیرفته است. برای نمونه‌گیری با توجه به کیفی بودن روش تحقیق و متغیرهای آن از یک طرف و وسعت و جمعیت زیاد کلانشهر تهران و نیز جابجایی‌های جمعیتی فراوان در سطح شهر از طرف دیگر، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای-فضایی (چند مرحله‌ای) استفاده می‌شود. این نوع نمونه‌گیری هنگامی کاربرد دارد که امکان تعیین چارچوبی برای جامعه آماری وجود ندارد و محقق نتواند نمونه موردنظر را به روش‌های احتمالی ساده یا طبقه‌بندی شده انتخاب کند و علاوه بر این جامعه دارای خصلت سلسله‌مراتبی باشد. در این وضعیت از نظام سلسله‌مراتب یا تقسیمات جغرافیایی استفاده می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۱۵۴).

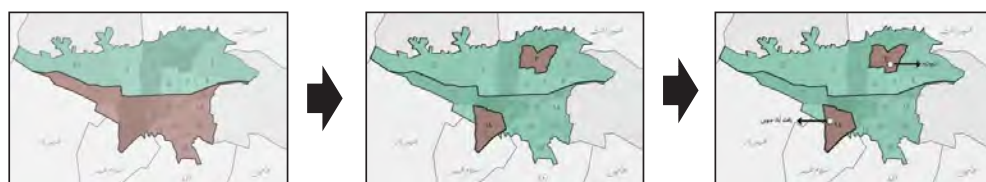
برای همین منظور کلانشهر تهران مطابق با شکل زیر ابتدا در راستای محور انقلاب-آزادی به دو بخش شمال و جنوب تقسیم بندی می‌شود. سپس از بین دو بخش (خوشه) شمال و جنوب به صورت تصادفی دو منطقه انتخاب می‌شود. در مرحله سوم از میان محلات موجود در هر منطقه به تصادف یک محله انتخاب می‌گردد. مطابق با نقشه زیر مشخص می‌شود که محلات داوودیبه از منطقه ۳ و محله یافت آباد جنوبی از منطقه ۱۸ انتخاب شده‌اند. محله داوودیبه مطابق با اطلس محلات شهر تهران

۴۹۳ هکتار وسعت داشته و جمعیتی بالغ بر ۲۶۴۹۳ نفر و ۶۴۶۳ خانوار را در خود جای داده است. این محله که نام آن برگرفته از یکی از نوادگان نادرشاه است که مالک آن منطقه بوده از شمال به بلوار میرداماد، از جنوب به بزرگراه رسالت، از شرق به خیابان شریعتی و از غرب به بزرگراه مدرس محدود می‌شود.

محله یافت آباد جنوبی نیز مطابق با اطلس محلات شهر تهران ۱۹۱ هکتار وسعت داشته و جمعیتی در حدود ۲۶۸۹۴ نفر و ۴۱۰۴ خانوار را در خود جای داده است. این محله از شمال به خیابان زندیه و میرهاشمی، از جنوب به بزرگراه آزادگان، از شرق به بلوار الغدیر و از غرب به رودخانه کن و بزرگراه آزادگان منتهی می‌گردد.

برای تعیین حجم نمونه با توجه به فراوان بودن تعداد خانوارها در هر دو محله و نیز نوع تحقیق که از لحاظ ماهیت و روش در زمره تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد، لذا حداقل حجم نمونه می‌بایست ۱۰۰ خانوار باشد. لازم به توضیح است از شهروندان خواسته شد تا این پرسشنامه‌ها را با کسب نظرات سایر اعضای خانوار خود در یک فرصت مناسب (یک هفته) تکمیل نمایند و نظرات اعلام شده جمع‌بندی نظرات تمامی اعضای خانوار خود باشد. با توجه به اینکه تعداد خانوارهای دو محله با یکدیگر تفاوت دارند لذا پراکنش توزیع پرسشنامه برای محله داوودیبه که ۶۴۶۳ خانوار دارد ۶۰ نمونه و برای محله یافت آباد جنوبی که ۴۱۰۴ خانوار دارد ۴۰ نمونه به صورت تصادفی خواهد بود (برای مطالعه بیشتر ن.ک. به حافظنیا، ۱۳۸۹: ۱۶۴-۱۶۵).

با توجه به اینکه این پژوهش در چارچوب روش



شکل شماره ۱- شیوه انتخاب نمونه در کلانشهر تهران (منبع: نگارنده)

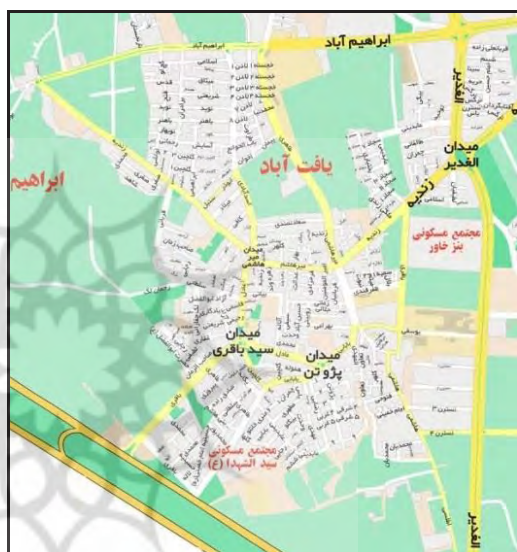
تحقیق کیفی قابل دسته بندی می باشد و از روش پیمایش (پرسشنامه به صورت سوالات باز و بسته) و روش دلفی برای جمع آوری داده ها استفاده شده، از روش های آماری توصیفی - تحلیلی و استنباطی، مانند جداول توزیع فراوانی، روش مقیاس سازی، پارامترهای آماری و نمودارها بهره گرفته شده است. سپس روابط بین متغیرها با استفاده از تکنیک های آماری آزمون مقایسه میانگین T، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی و چندمتغیره در بسته نرم افزاری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۵- تجزیه و تحلیل داده ها

در این پیمایش ۵۵٪ پاسخگویان مرد و ۴۵٪ زن بوده اند. از این تعداد ۱۲٪ زیر ۲۵ سال، ۳۰٪ بین ۲۵-۳۴ سال، ۱۰٪ بین ۳۵-۴۴ سال، ۲۳٪ بین ۴۵-۵۵ سال و ۲۵ درصد نیز بالای ۵۵ سال بوده اند. از بعد تحصیلات نیز ۰٪ بی سواد، ۲۵٪ دیپلم، ۵۲٪ لیسانس و ۱۵٪ فوق لیسانس و بالاتر بوده اند. از لحاظ شغل نیز ۸٪ کارگر، ۲۷٪ کارمند، ۱۲٪ شغل آزاد، ۲۳٪ خانه دار، ۱۳٪ بازنشسته، ۱۵٪ دانشجو و ۲٪ نیز بیکار بوده اند. از لحاظ درآمد میزان درآمد خانوار نیز ۱۵٪ زیر ۳۵۰ هزار تومان، ۱۸٪ بین ۳۵۰ تا ۵۰۰ هزار تومان، ۴۰٪



شکل شماره ۳- یافت آباد (منبع: وب سایت شهرداری منطقه ۱۸)



شکل شماره ۲- محله داوودیه (منبع: وب سایت شهرداری منطقه ۳)



نمودار شماره ۱- فراوانی ویژگی های مدیریت شهری مطلوب عنوان شده توسط پاسخگویان

دید شهروندان بوده است. پس از این دو مشخصه مهم، ویژگی‌های قابل انتظاری چون عمران شهری مناسب، رضایت از خدمات شهری و زیباسازی شهری قرار گرفته‌اند. قانونگرایی، آینده‌نگری، انسجام و یکپارچگی در مدیریت شهری، شفافیت و وضوح، بازنگری در ساختار سازمانی نهادهای رسمی مدیریت شهری و به ویژه شهرداری و بهره‌گیری از مشارکت شهروندان در اداره امور شهر نیز دیگر مشخصات مدیریت شهری مطلوب می‌باشد.

در سوال دوم ۹ گویه در راستای سنجش سه موضوع یا مولفه موثر بر ویژگی‌های مدیریت شهری مطلوب تدوین شده است. در سه گویه اول، میزان اعتقاد و اهمیت به اصل مشارکت در مدیریت شهر، سنجش شده است. نتیجه نشان می‌دهد که میزان اعتقاد و اهمیت به اصل مشارکت در مدیریت شهر با میانگین ۳٫۹۷ در طیف لیکرت زیاد به شمار می‌رود. بنابراین باید گفت شهروندان نسبت به اهمیت و جایگاه اصل مشارکت در اداره امور شهر برای تحقق مدیریت شهری مطلوب اعتقاد لازم را دارند. حدود ۷۵٪ از پاسخگویان با میانگین ۴٫۰۵ با گویه تنها با همکاری و مشارکت همه شهروندان با نهاد مدیریت شهری می‌توان بر مشکلات و مسائل شهری غلبه کرد، اعلام موافقت نموده‌اند. همچنین ۸۰٪ از پاسخگویان با میانگین ۲٫۱۳ با این موضوع که مدیریت شهری (مشمتمل بر شهرداری، شورای شهر،

بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون تومان، ۱۷٪ نیز بین یک میلیون تا دو میلیون تومان و ۱۰٪ نیز بش از ۲ میلیون تومان را اعلام نموده‌اند.

پاسخگویان در سوال اول که به صورت سوالی باز بود ۱۲ مورد را به عنوان مهمترین مشخصات مدیریت شهری مطلوب ذکر کرده‌اند که در نمودار زیر فراوانی آن نمایش داده شده است:

نکته شایان توجه این است که مبحث مشارکت شهروندان در اداره امور شهر که در نظریه حکمروایی خوب شهری، ویژگی کلیدی و محوری به شمار می‌رود در این پیمایش جزء مشخصات پرتکرار نبوده و تنها ۱۴٪ از پاسخگویان به آن اشاره کرده‌اند. همچنین علی‌رغم باور موجود مبنی بر اینکه شهروندان، مدیریت شهری مطلوب را در اجرای فعالیت‌های عمرانی مانند احداث معابر، احداث پارک‌ها و فضاهای سبز و امثالهم می‌دانند، نتایج این پیمایش نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری مدیریت شهر در قبال مسائل، مشکلات و کمبودهای موجود در شهر و پاسخگویی در برابر عملکرد خود یکی از مهمترین خصائص مدیریت شهری مطلوب می‌باشد. عدالت محوری، و تلاش در جهت کاهش فاصله‌های طبقاتی از طریق نگاه یکسان به سرتاسر شهر و تخصیص متوازن امکانات و تسهیلات شهری یکی دیگر از پرتکرارترین مشخصات و ویژگی‌های مدیریت شهری مطلوب از

جدول شماره ۳- آزمون مقایسه میانگین اعتقاد و اهمیت به اصل مشارکت

	Test Value = 0			
	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
			Lower	Upper
X1	.000	4.050	3.81	4.29
X2	.000	3.87500	3.6808	4.0692
X3	.000	4.00000	3.7491	4.2509
X1X2X3	.000	3.97	-	-

- (X1): تنها با همکاری و مشارکت همه شهروندان با نهاد مدیریت شهری میتوان بر مشکلات و مسائل شهری غلبه کرد.
(X2): مدیریت شهری (شامل شهرداری، شورای شهر، سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها و ...) به تنهایی قادر به حل مسائل و مشکلات شهرها است.
(X3): مشارکت شهروندان در مدیریت شهر، تاثیر چندانی در بهبود اداره و مدیریت شهرها نخواهد گذاشت.

جدول شماره ۴- آزمون مقایسه میانگین دیدگاه فرد درباره چگونگی اداره شهر

	Test Value = 0			
	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
			Lower	Upper
X4	.000	3.95000	3.7333	4.1667
X5	.000	3.60000	3.3512	3.8488
X6	.000	4.100	3.82	4.38
X4X5X6	.000	3.88	-	-

(X4): اداره امور شهر در دست تنها یک نهاد و آن هم دولت باشد.

(X5): اداره امور شهر در دست تنها یک نهاد و آن هم شهرداری هر شهر باشد.

(X6): اداره امور شهرها می‌بایست به وسیله نهادهای همانند شورایی‌ها باشد که متشکل از خبرگان، معتمدین و کارشناسان بوده و با آراء مستقیم شهروندان انتخاب می‌شوند و با نظارت و حمایت دولت و شهرداری فعالیت می‌کنند

ارگان‌ها و دستگاه‌های دولتی و غیره) به تنهایی و بدون استمداد از همکاری و مشارکت شهروندان قادر به حل مسائل و مشکلات شهرها خواهد بود، مخالف بوده‌اند. مضافاً ۸۲٪ از پاسخگویان نیز با عدم تأثیر مشارکت شهروندان در بهبود اداره و مدیریت شهرها مخالف بوده و بر این باورند که مشارکت شهروندان قطعاً موجب تأثیر مثبت در بهبود مدیریت شهرها خواهد بود. بنابراین در مجموع باید گفت شهروندان به صورت کلی با اصل مشارکت و اهمیت و جایگاه ممتاز آن برای دستیابی به مدیریت شهری مطلوب موافقت دارند.

کاهش تصدی‌گری بخش عمومی و دولتی و گسترش حیطه قدرت و نفوذ شهروندان در فرایند مدیریت شهر موافقت دارند. ۸۵٪ با قرارگیری مدیریت شهر در تیول دولت و ۵۷٪ نیز با قرارگیری مدیریت شهر در اختیار شهرداری اعلام مخالفت نموده و ۸۵٪ نیز در برابر این گزاره که «اداره امور شهرها می‌بایست به وسیله نهادهای همانند شورایی‌ها باشد که متشکل از خبرگان، معتمدین و کارشناسان بوده و با آراء مستقیم شهروندان انتخاب می‌شوند و با نظارت و حمایت دولت و شهرداری فعالیت می‌کنند»، با میانگین ۴٫۱۰ (زیاد رو به خیلی زیاد در طیف لیکرت)، موافقت خود را ابراز کرده‌اند. بنابراین باید نتیجه گرفت شهروندان مدیریت شهری مطلوب را در واگذاری هر چه بیشتر امر اداره شهرها به شهروندان



جدول شماره ۵- آزمون مقایسه میانگین دیدگاه فرد نسبت به چگونگی عملکرد شوراها و شورایی‌ها

	Test Value = 0			
	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
			Lower	Upper
X7	.000	3.000	2.70	3.30
X8	.000	3.450	3.10	3.80
X9	.000	3.60000	3.3310	3.8690
X7X8X9	.000	3.35	-	-

(X7): تشکیل شوراها را اسلامی شهر تأثیر زیادی بر بهبود کیفیت اداره شهر تهران در یک دهه اخیر داشته است.

(X8): ایجاد شورایی‌ها موجب افزایش کارایی شورای شهر و شهرداری در حل مسائل و مشکلات محلات شهری شده است.

(X9): تشکیل شوراها و شورایی‌ها تأثیر چندانی در اداره امور شهرها نداشته است

و منتخبین آنها و به عبارت دیگر اجرای رویکرد اداره مردمی شهرها می‌دانند.

در گویه‌های ۷ تا ۹، دیدگاه شهروندان درباره چگونگی عملکرد شوراها و شورایی‌ها در شهر تهران به عنوان دو عنصر اساسی در رویکرد اداره مردمی شهرها پرسیده شده است. نتایج حاکی از آن است که پاسخگویان از عملکرد شوراها و شورایی‌ها در مجموع رضایت داشته ولی از عملکرد شورایی‌ها (با میانگین ۳,۴۵) در مقایسه با شوراها (با میانگین ۳) رضایت بیشتری دارند. از دلایل این امر می‌توان به بیشتر بودن ارتباطات و تعاملات مردم با شورایی‌ها و اعتماد بیشتر شهروندان به آنان و درگیر بودن آنها حتی با مسائل و معضلات جزئی محلات شهری و به علت مرتبط دانست. بنابراین باید گفت برای تحقق مدیریت شهری مطلوب از دید شهروندان تهرانی می‌توان با تکیه بر نقش و جایگاه شورایی‌ها، به تدوین سازوکارهای مناسب (چگونگی انتخاب اعضای آن، ترکیب اعضای شورایی‌ها، افزایش دامنه اختیارات و وظایف و ...) برای اداره مردمی امور شهر پرداخت.

در گویه دهم، جایگاه و اهمیت شهر و مسائل شهری در نزد شهروندان مورد سنجش قرار گرفته که نتایج نشان می‌دهد شهر و مسائل شهری پس از مسائل خانوادگی، معیشتی و شخصی بیشترین اهمیت را در نزد شهروندان دارا می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که استفاده از مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، به علت اهمیت داشتن شهر و مسائل شهری در نزد شهروندان دارای ظرفیت بالقوه مناسبی برای بهره برداری مدیریت شهر می‌باشد. بنابراین در تعریف مدیریت شهری مطلوب می‌توان

چنین گفت: مدیریت شهری مطلوب از دید شهروندان تهرانی، مدیریتی است که به وسیله گروهی شامل خبرگان، معتمدین و کارشناسان منتخبین شهروندان (به عنوان مثال در قالب شورایی‌ها) و نظارت و حمایت نهادهای دولتی و عمومی (ارگان‌های دولتی و شهرداری) اعمال شده و مشتمل بر ویژگی‌هایی چون مسئولیت پذیری و پاسخگویی، عدالت محوری، عمران شهری مناسب، رضایت مندی شهروندان از خدمات شهرداری، زیباسازی شهری، قانونگرایی، آینده نگری، انسجام و یکپارچگی، شفافیت و اعلام عمومی طرح‌ها و برنامه‌ها، اصلاح سازمانی نهادهای مدیریت شهری به ویژه شهرداری، مشارکت شهروندان در اداره امور شهر و برنامه‌ریزی برای سایر ابعاد زندگی شهری باشد.

در گویه دهم، جایگاه شهر و مسائل شهری در نزد شهروندان مورد سوال قرار گرفته که ۵۰٪ از شهروندان (میانگین ۳,۴۷۵) با این موضوع که مسائل و امورات شهری پس از مسائل خانوادگی، معیشتی و شخصی (حوزه خصوصی فرد) دارای بیشترین اهمیت برایشان می‌باشد، اعلام موافقت نموده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد هر چند به ویژه در سال‌های اخیر، مسائل و مشکلات معیشتی و خانوادگی (مانند تورم، بیکاری و قص علیهذا) فشار زیادی را بر دوش افراد و خانواده‌ها وارد کرده و دامنه توجه فرد را در چنبره حوزه خصوصی خود گرفتار ساخته است، ولی با این حال، مسائل مربوط به اداره امور شهر به عنوان خانه دوم افراد، همچنان دارای ارزش و اهمیت ویژه‌ای است و مسلماً کاهش دغدغه‌های فرد در حوزه خصوصی می‌تواند به

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۳ زمستان ۹۷
No.53 Winter 2019

۱۰۹

جدول شماره ۶- آزمون مقایسه میانگین جایگاه و اهمیت شهر و مسائل شهری در نزد شهروندان

	Test Value = 0			
	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
			Lower	Upper
X10	.000	3.475	3.19	3.76

(X10): مردم برای مسائل و مشکلات شهر محل زندگی خود پس از مسائل خانوادگی و معیشتی بیشترین اهمیت را قائل هستند.

جدول شماره ۷- آزمون مقایسه میانگین میزان مشارکت جویی فرد در اداره امور شهر

	Test Value = 0			
	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
			Lower	Upper
X11	.000	3.025	2.769	3.280
X12	.000	2.050	1.833	2.266
X13	.000	2.575	2.32	2.83
X11X12X13	.000	2.55	-	-

(X11): من (حتی اگر فرصت کافی داشته باشم) هیچ علاقه‌ای به مشارکت در مدیریت شهر ندارم.

(X12): من به مشارکت در اداره امور شهر علاقه مند اما به علت مسائل خانوادگی و دغدغه‌های معیشتی، شخصی و امثالهم فرصت کافی ندارم.

(X13): به نظر من سایر شهروندان تمایل زیادی برای مشارکت در اداره امور شهر دارند

جدول شماره ۸- آزمون مقایسه میانگین تصور فرد درباره برتری فواید مشارکت بر هزینه‌های مترتب

	Test Value = 0			
	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
			Lower	Upper
X14	.000	2.675	2.3909	2.9591
X15	.000	2.425	2.12	2.73
X16	.000	2.875	2.53	3.22
X14X15X16	.000	2.658	-	-

(X14): در شرایط فعلی کار گروهی و جمعی برای اداره شهر دردسر زیادی داشته و نتیجه مثبتی هم در پی ندارد.

(X15): در شرایط فعلی جامعه، آثار و نتایج مثبت مشارکت شهروندان در اداره امور شهر بیشتر از هزینه مشارکت در اداره امور شهر (گذاشتن وقت، پرداخت پول و ...)

است.

(X16): در شرایط فعلی چنانچه مشارکت در مدیریت شهر به پرداخت عوارض، مالیات و یا دادن پول بیشتر منجر شود، مردم آماده‌اند.

مشکلات زمینه‌ای- ساختاری در جامعه ایران دارد. همچنین اعلام موافقت ۷۵٪ شهروندان درباره این موضوع که به مشارکت و همکاری در اداره شهر علاقه‌مند هستند ولی به علت درگیری با مسائل و مشکلات متعدد خانوادگی، معیشتی و شخصی فرصت کافی ندارد، نشان می‌دهد یکی از بزرگترین موانع فراروی تمایل افراد برای مشارکت در مدیریت شهر که در واقع او را وادار به عقب نشینی به حوزه خصوصی و خانوادگی می‌نماید، تعدد مسائل، مشکلات و درگیری‌های مربوط به این حوزه است که فرصتی برای فرد باقی نمی‌گذارد. همچنین گویه بعد که در واقع دیدگاه فرد درباره تمایل سایر شهروندان را بررسی نموده است نشان می‌دهد که غالب شهروندان بر این اعتقاد هستند که سایرین تمایل زیادی به مشارکت در اداره امور شهر ندارند.

طور بالقوه منجر به افزایش علاقه‌مندی وی به توجه و رسیدگی به مسائل مربوط به حوزه عمومی شود. در غیر اینصورت شهروند در جایگاه یک ناظر قرار گرفته و تنها بهبود وضعیت شهر را از بخش عمومی مطالبه می‌نماید و تمایل دارد تا خود نقشی را برعهده نگیرد. در گویه‌های ۱۱ تا ۱۳، میزان مشارکت جویی فرد در اداره امور شهر مورد سنجش قرار گرفته است. به دست آمدن میانگین ۲٫۹ (۲۲٪ موافقت) برای گویه یازدهم حاکی از آن است که تمایل به مشارکت در اداره امور شهر برای شهروندان تهرانی حتی در صورت داشتن وقت و فرصت کافی نیز در حد متوسط به پایین بوده که با وجود اعتقاد به اصل مشارکت و نیز اهمیت مسائل شهری برای آنان، جای تامل فراوان داشته و حاکی از وجود موانع و

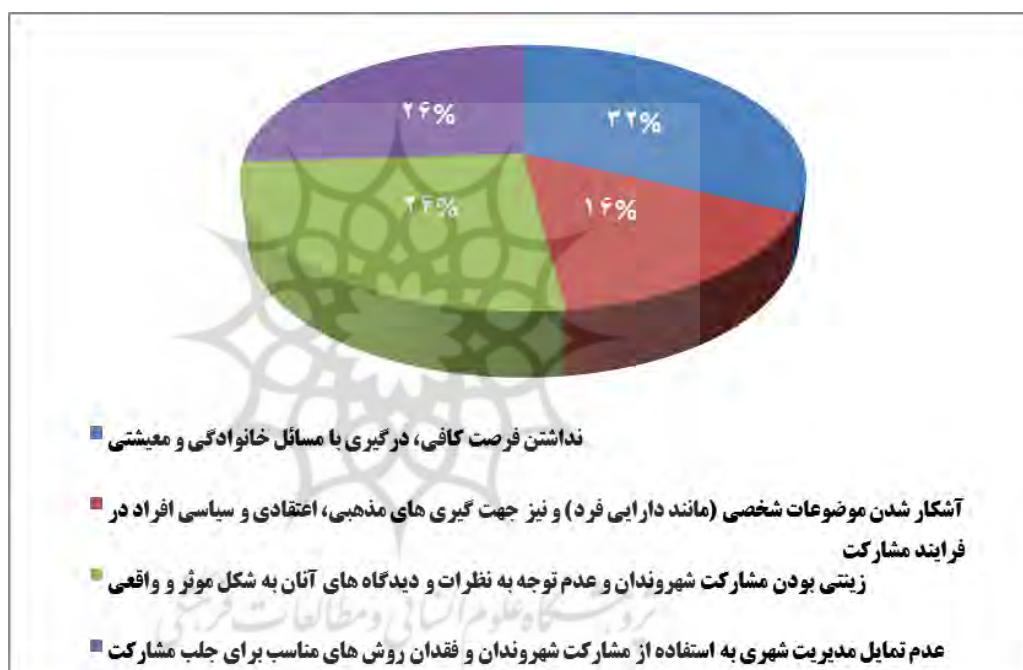
جدول شماره ۹- آزمون مقایسه میانگین دیدگاه فرد نسبت به تمایل مسئولین جهت جذب مشارکت شهروندان

	Test Value = 0			
	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
			Lower	Upper
X17	.000	2.50000	2.2389	2.7611
X18	.000	2.17500	1.8774	2.4726
X19	.000	2.500	2.21	2.79
X17X18X19	.000	2.39	-	-

(X17): مسئولین مدیریت شهری شامل شورای شهر و ارگان‌های دولتی تمایل چندانی به استفاده از مشارکت شهروندان در اداره امور شهر ندارد.

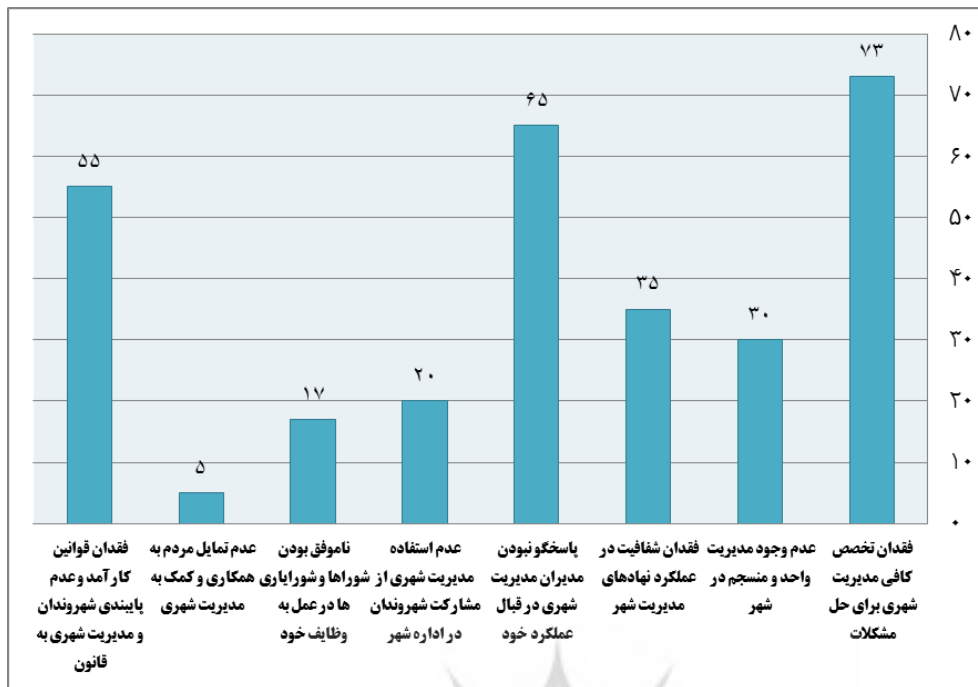
(X18): مسئولین مدیریت شهری شامل شهرداری، شورای شهر و ارگان‌های دولتی تنها برای کمک‌های مالی از مشارکت مردم نام می‌برند.

(X19): من نسبت به حسن نیت متولیان مدیریت شهری شامل شهرداری، شورای شهر و ارگان‌های دولتی درباره مشارکت شهروندان خوش بین هستم

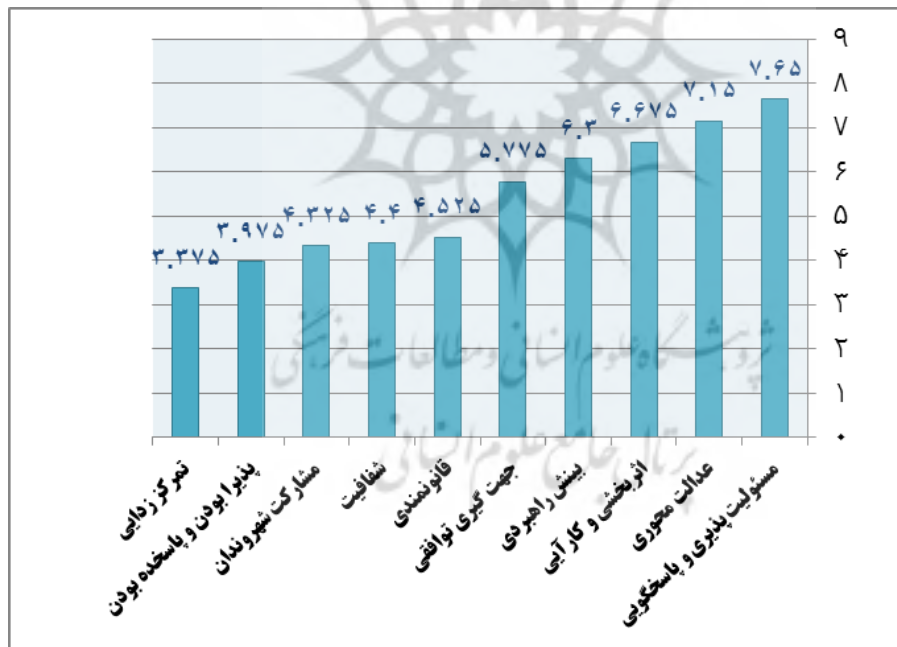


نمودار شماره ۲- درصد فراوانی پاسخگویان به سوال چهارم

همین موضوع نیز نشان می‌دهد که یکی دیگر از دلایل کم تمایلی فرد به مشارکت در اداره امور شهر، احساس عدم تمایل سایرین به مشارکت می‌تواند باشد که موجب بی‌انگیزگی فرد می‌شود. در مجموع باید گفت میزان مشارکت جویی فرد در اداره امور شهر با میانگین ۲,۵۵ بین متوسط تا کم ارزیابی می‌شود. در گویه‌های ۱۴ تا ۱۶، تصور فرد درباره برتری فواید مشارکت بر هزینه‌های مترتب بر آن در شرایط فعلی مورد پرسش قرار گرفته که نتایج نشان می‌دهد پاسخگویان هزینه‌های مشارکت را در برابر آثار مثبت و مفید ناشی از آن در شرایط فعلی بیشتر دانسته و از این روی باید گفت یکی دیگر موانع اساسی فراروی افراد برای مشارکت در مدیریت شهر وجود همین تفکر در بین شهروندان است. همچنین مطابق با گویه شانزدهم، ۴۵ درصد از شهروندان با میانگین ۲,۸ (کم رو به متوسط) با پرداخت عوارض و مالیات بیشتر که با عنوان مشارکت در مدیریت



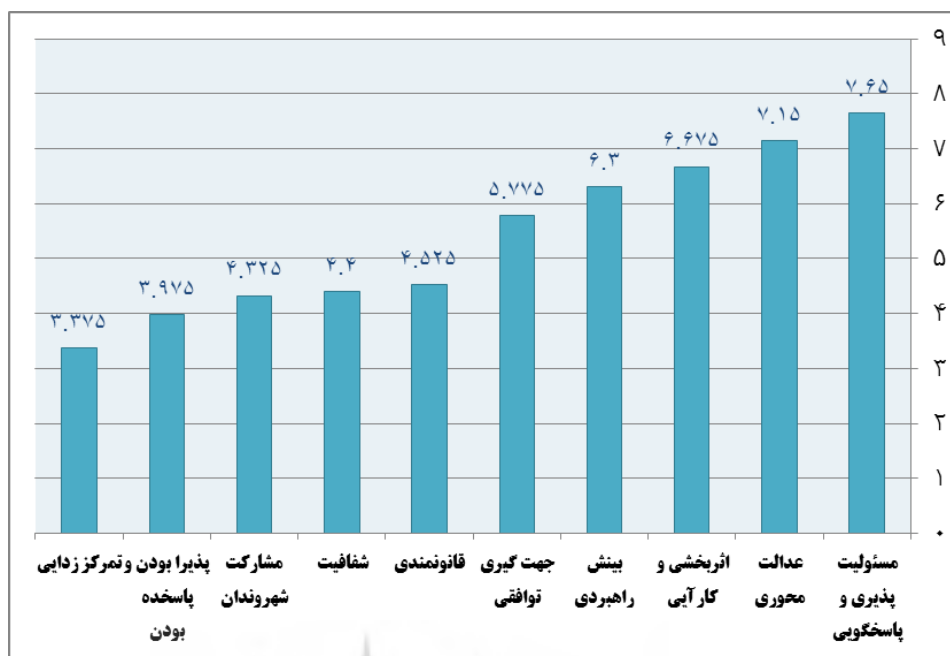
نمودار شماره ۳- درصد فراوانی پاسخگویان به انتخاب سه معضل اصلی مدیریت شهری در ایران



نمودار شماره ۴- وزن دهی پاسخگویان به معیارهای ارائه شده برای حکمروایی شهری

در گویه‌های ۱۷ تا ۱۹ نیز دیدگاه فرد نسبت به تمایل مسئولین جهت جذب مشارکت شهروندان مورد سنجش قرار گرفت که نتایج نشان می‌دهد ۵۸٪ از پاسخگویان (میانگین ۳,۵) با این گزاره

شهر صورت پذیرد اعلام مخالفت نموده‌اند که خود این امر نشأت گرفته از عدم برتری مواهب و آثار مثبت مشارکت در مدیریت شهر بر هزینه‌های مترتب در ذهن فرد می‌باشد.



نمودار شماره ۵- مقایسه وزن دهی معیارهای مدیریت شهری مطلوب بیان شده توسط مردم

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۳ زمستان ۹۷
No.53 Winter 2019

۱۱۳

جلب مشارکت شهروندان و ۱۶٪ نیز به آشکار شدن مسائل و موضوعات مربوط به حوزه خصوصی فرد مانند دارایی و عقاید مذهبی و سیاسی فرد را بیان نموده‌اند.

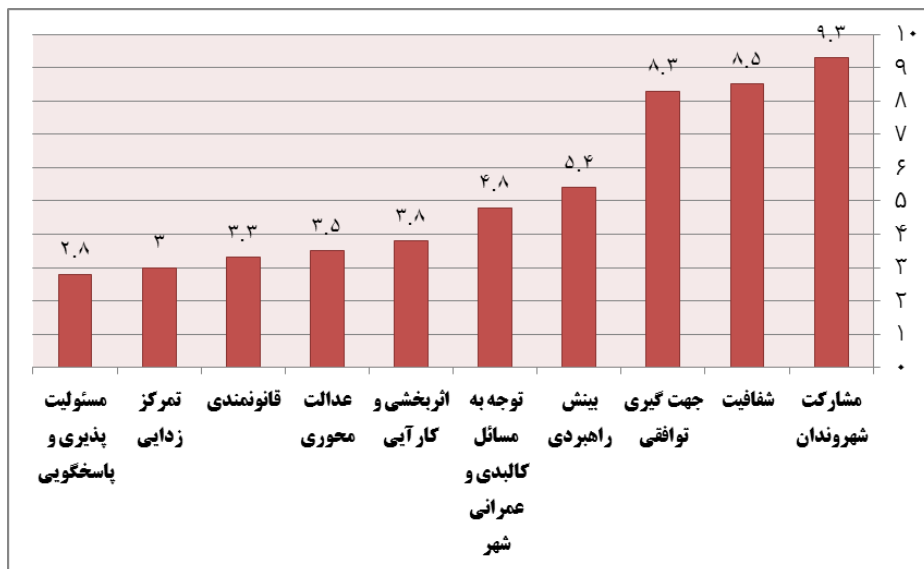
در سوال پنجم، پاسخگویان فقدان تخصص کافی مدیریت شهری برای حل مشکلات و مسائل مبتلا به شهر، پاسخگو نبودن مدیریت شهری در قبال عملکرد خود و فقدان قوانین کارآمد و عدم پایبندی شهروندان و مدیریت شهری به قانون را به عنوان سه معضل مهم مدیریت شهری موجود از میان ۸ گزینه ارائه شده، انتخاب نموده‌اند.

در سوال ششم از پاسخگویان خواسته شده بود تا به اولویت بندی معیارهای دهگانه حکمروایی خوب شهری بپردازند. نتایج به دست آمده معیارهای دهگانه زیر را چنین رتبه‌بندی می‌کند: مسئولیت پذیری و پاسخگویی، عدالت، اثر بخشی و کار آیی، بینش راهبردی، جهت گیری توافقی، قانونگرایی، شفافیت، مشارکت شهروندان، پذیرا بودن و پاسخگو بودن، تمرکز زدایی.

در پرسشنامه سه گانه روش دلفی که مختص به

که مسئولین مدیریت شهری شامل شهرداری، شورای شهر، دولت و تمایل چندانی به استفاده از مشارکت شهروندان در اداره شهر ندارند، موافق بوده و ۷۰٪ نیز هدف مسئولین مدیریت شهری از بهره‌گیری از مشارکت شهروندان را صرفاً در دریافت کمک‌های مالی ارزیابی می‌کنند. همچنین تنها ۱۵٪ از پاسخگویان به حسن نیت مدیریت شهری موجود برای استفاده مناسب از مشارکت شهروندان خوشبین بوده و ۶۰٪ نیز نسبت به حسن نیت متولیان مدیریت شهر خوشبین نیستند.

در سوال چهارم، پاسخگویان در برابر این موضوع که در صورت اعتقاد به اصل مشارکت در مدیریت شهر و نیز کم تمایلی به حضور فعالانه در فرایند اداره شهر همگام با نهادهای رسمی، مهمترین دلیل کم تمایلی شما چیست، ۳۲٪ نداشتن فرصت کافی و درگیری با مسائل خانوادگی و معیشتی، ۲۶٪ به زینتی بودن مشارکت شهروندان و عدم توجه به نظرات و دیدگاه‌های آنان به شکل موثر و واقعی، ۲۶٪ به عدم تمایل مدیریت شهری به استفاده از مشارکت شهروندان و فقدان روش‌های مناسب برای



نمودار شماره ۶- مقایسه وزن دهی معیارهای مدیریت شهری مطلوب بیان شده توسط کارشناسان

سنجش نظرات کارشناسان در رابطه با ویژگی‌های مدیریت شهری مطلوب است، نیز معیارهای زیر به ترتیب از نظر کارشناسان به عنوان ویژگی‌های مدیریت شهری مطلوب انتخاب گردید:

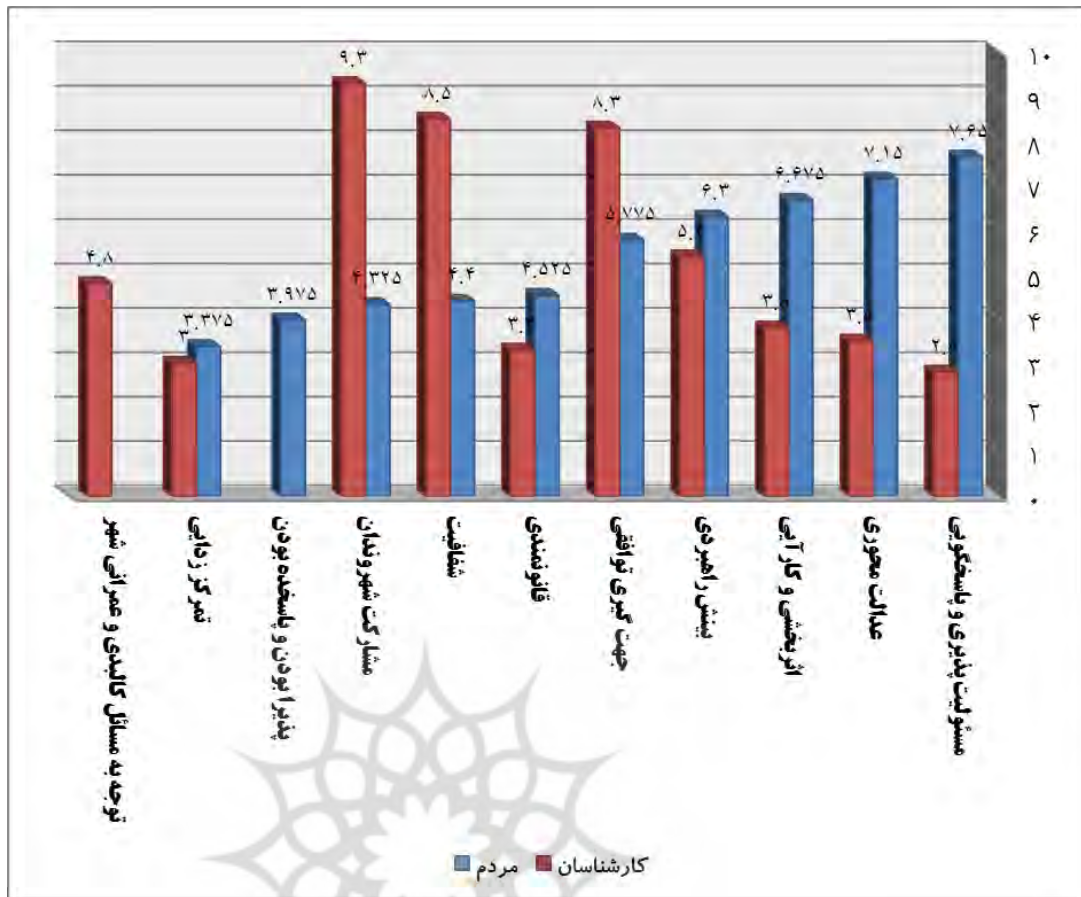
شهروندمداری و مشارکت شهروندان، شفافیت، ایجاد انسجام و یکپارچگی میان همه نهادها و دستگاه‌های ذیربط در مدیریت شهر، برخورداری مدیریت شهری از بینش راهبردی و آینده نگری، توجه به مسائل عمرانی و کالبدی شهر، کارآیی و اثربخشی در طرح‌ها و پروژه‌های شهری، بسط عدالت اجتماعی در شهر، قانونگرایی، مناسب سازی مالیه شهرداری و اتکا بر درآمدهای پایدار، مسئولیت پذیری و پاسخگویی. از این رو باید گفت از دید شهروندان مسئولیت پذیری و پاسخگویی، عدالت و اثربخشی و کارآیی مهمترین مشخصات مدیریت شهری مطلوب است و مشارکت شهروندان جزء مهمترین معیارهای مدیریت شهری مطلوب از دید شهروندان نیست. ولی با این حال از دید کارشناسان، شهروندمداری و مشارکت شهروندان، شفافیت در رویه‌ها، مسئولیت‌ها و برنامه‌ها و طرح‌های شهری و نیز ایجاد انسجام و یکپارچگی میان نهادها و دستگاه‌های ذیربط در مدیریت شهری مهمترین معیارهای مدیریت شهری مطلوب به شمار می‌رود. از همین رو با توجه به استنتاج‌ها و تحلیل‌های صورت گرفته، آزمون فرضیات پژوهش به صورت زیر است:

فرضیه اول: «به نظر می‌رسد میان دیدگاه‌های مردم و کارشناسان و صاحب نظران جامعه علمی و حرفه‌ای شهرسازی کشور درباره اولویت‌های مدیریت شهری مطلوب تفاوت معنی داری وجود دارد».

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد اولویت‌های مدیریت شهری مطلوب از دید پاسخگویان به شرح زیر است:

از طرف دیگر اولویت‌های مدیریت شهری مطلوب از دید کارشناسان در پرسشنامه روش دلفی به صورت زیر است:

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، در پرسشنامه‌های پایلوت مشخص گردید که میان ویژگی‌هایی که مردم برای برای مدیریت شهری مطلوب ذکر می‌کنند با معیارهای ارائه شده برای حکمروایی شهری مشابهت‌های زیادی وجود داشته و می‌توان ویژگی‌های مدیریت شهری مطلوب از دید مردم را در قالب معیارهای حکمروایی شهری و نیز شاخص‌های آن ادغام نمود. از این رو در پرسشنامه تلاش شد تا



نمودار شماره ۷- مقایسه وزن معیارهای مدیریت شهری مطلوب بیان شده توسط مردم و کارشناسان

در سوال آخر، معیارهای دهگانه حکمروایی شهری با شرح و بسط بیشتر و بازبانی ساده مورد ارزیابی و اولویت‌بندی پاسخگویان قرار گیرد. از سوی دیگر پاسخ‌های ارائه شده توسط گروه متخصصین در روش دلفی نیز همانند ویژگی‌های ارائه شده توسط مردم برای مدیریت شهری مطلوب، تقریباً قابل ادغام و طبقه‌بندی همانند معیارهای دهگانه حکمروایی شهری [با این تفاوت که متخصصین بر روی ویژگی که بتواند در قالب پذیرا بودن و پاسخ‌ده بودن قابل دسته‌بندی باشد به اجماع نرسیدند و نیز توجه به مسائل عمرانی و کالبدی یکی از معیارهای آنها برای مدیریت شهری مطلوب بود] است. از این رو در این قسمت مجال برای مقایسه نظرات مردم و کارشناسان درباره اولویت بندی این معیارها فراهم خواهد بود.

از این رو با توجه به نمودارهای شماره ۵، ۶ و ۷ باید گفت اولویت‌های مدیریت شهری مطلوب از دید شهروندان با کارشناسان و جامعه علمی شهرسازی کشور همسو نیست. شهروندان سه اولویت اول مدیریت شهری مطلوب را مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، عدالت محوری و اثربخشی و کارآیی معرفی کرده ولی کارشناسان شهروندان مداری و مشارکت شهروندان، شفافیت در رویه‌ها، مسئولیت‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های شهری و ایجاد انسجام و یکپارچگی میان همه نهادها و دستگاه‌های ذیربط در مدیریت شهر را سه اولویت اول برای مدیریت شهری مطلوب می‌دانند.

فرضیه دوم: «مهمترین ویژگی مدیریت شهری مطلوب از دید شهروندان و نیز مطالبه عمومی جامعه از مدیریت شهری، مشارکت و نقش آفرینی

در مدیریت شهری نیست».

مطابق با نمودار شماره ۵ مشخص می‌شود برخلاف دیدگاه کارشناسان و جامعه علمی که همواره بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهر به عنوان مهمترین معیار مطلوبیت مدیریت شهری تاکید دارند، شهروندان به علل گوناگون که در بخش‌های قبلی شرح آن رفت، تمایل چندانی به مشارکت در مدیریت شهر در شرایط فعلی جامعه ندارند و از نظر آنان عدم بهره‌گیری مدیریت شهری از مشارکت شهروندان جزء ضعف‌ها و ایرادات مهم سیستم مدیریت شهری موجود به شمار نمی‌رود.

۶- بحث و نتیجه گیری

قصه شهر در ایران با قصه شهر در غرب تفاوت‌های زیادی دارد. شهر غربی چه در زمان یونان باستان محلی بود برای تبلور شهروندی و لذت رهابودگی از مشقت و کار و چه در عصر تاریکی مکانی بود برای فرار از قید و بندهای طاقت فرسای فئودالیت. شهر غربی در عصر نوزایی و سپس دوران صنعتی نیز محملی برای پیشرفت و شکوفایی هر چه بیشتر تمدن غرب بود تا اینکه در دنیای مدرن محلی گردید برای مدیریت بر عالم و کانونی برای رفاه، آسایش، شکوفایی و تداوم پیشرفت.

اما شهر در ایران داستان متفاوتی دارد. شهر در ایران همانطور که از ریشه‌اش (خشی به معنای شاهی کردن) بر می‌آید، همواره یک امر قدسی و آسمانی تلقی می‌شده است که احتمالاً کسی قدرت برپایی آن را جز پادشاهان که برخوردار از بارقه الهی و قره ایزدی بوده‌اند، نداشته است. از این رو شهر ایران همواره یک امر حکومتی محسوب می‌شده و در فضایی خلا که ناشی از تضاد دولت و ملت در طول تاریخ بوده رشد کرده و تکامل پیدا کرده است؛ دولتی مستبد که هیچگاه شهرنشینانش را شهروند و مالک شهر ندانسته و در برابر آنها پاسخگو نبوده و جامعه‌ای حکومت ناپذیر که همواره در تلاش برای مخالفت با یک فرمانروای خودکامه «بیدادگر» و نشان دادن یک حاکم خودکامه «دادگر» به جای وی

بوده است. بنابراین باید گفت شهر ایرانی در گرد و غبار این کشاکش تاریخی همواره مبهم، نامفهوم و گنگ باقی ماند.

به طور کلی شهرها در ایران و به ویژه کلانشهر تهران از آن دسته شهرهایی هستند که هیچگاه نتوانسته‌اند به طور کامل رویای آرامش و آسایش، شکوفایی و رشد را به همه شهروندان خود هدیه نمایند. یکی از مهمترین دلایل این امر را باید در درون سیستم مدیریت شهری جستجو نمود.

امروز دیگر این موضوع برای همگان به اثبات رسیده است که سیستم مدیریت شهری کشور و در راس آنها شهرداری‌ها برای تحقق شهرهای مطلوب، پایدار و با کیفیت می‌بایست مورد نوسازی علمی- تخصصی- تشکیلاتی قرار بگیرد تا به تدریج بستر مناسب برای گذار از مدیریت شهری به حکمروایی شهری و اداره مردمی امور شهرها در آینده فراهم گردد.

مطابق به نتایج حاصل از این پژوهش، مسئولیت‌پذیری مدیریت شهری در قبال مسائل و مشکلات شهر، پاسخگویی در برابر عملکرد، اقدامات و تصمیمات خود و عدالت محوری و نگاه یکسان مدیریت شهری در خدمات‌رسانی و تخصیص امکانات و تسهیلات شهری، مهمترین مشخصات مدیریت شهری مطلوب از دید شهروندان تهران هستند. از دید جامعه علمی- تخصصی شهرسازی نیز ویژگی‌هایی چون مشارکت شهروندان، شفافیت و جهت‌گیری توافقی مهمترین مشخصات مدیریت شهری مطلوب به شمار می‌رود.

مهمترین نتایج حاصله از این پژوهش به شرح زیر قابل جمع بندی است.

- شهروندان تهرانی اعتقاد زیادی به اهمیت و ضرورت اصل مشارکت در اداره امور شهر دارند.
- شهروندان تهرانی با این موضوع که مدیریت شهری شامل شهرداری، شورای شهر، سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها به تنهایی قادر به حل مسائل و مشکلات شهرها است تقریباً مخالف هستند.

- شهروندان تهرانی اعتقاد دارند مشارکت شهروندان تاثیر زیادی بر بهبود وضعیت مدیریت شهرها خواهد داشت.
- شهروندان تهرانی در مجموع با کاهش تصدی گری بخش عمومی و دولتی در مدیریت شهر و حرکت به سمت واگذاری اداره امور شهر به شهروندان موافقت دارند.
- شهروندان تهرانی با قرارگیری مدیریت شهر در دست تنها نهاد دولت مخالف به شدت هستند.
- شهروندان تهرانی همچنین با قرارگیری مدیریت شهر در تیول شهرداری نیز مخالف هستند.
- شهروندان تهرانی معتقدند اداره شهرها می‌بایست به وسیله نهادی همانند شورایی‌ها باشد که متشکل از خبرگان، معتمدین و کارشناسان بوده و توسط خود شهروندان انتخاب می‌شوند و با نظارت و حمایت‌های شهرداری و دولت به فعالیت می‌پردازند.
- شهروندان در سیستم مدیریت شهری موجود از عملکرد شوراها و شورایی‌ها به عنوان دو عنصر اساسی در واگذاری امور مدیریت شهر به شهروندان و یا منتخبین آنها به صورت نسبی رضایت دارند.
- شهروندان تهرانی از عملکرد شورایی‌ها در مقایسه با شوراها رضایت بیشتری دارند که این موضوع می‌تواند منتج از دلایلی زیادی چون ارتباط بیشتر شورایی‌ها با شهروندان، اعتماد شهروندان به اعضاء شورایی‌ها به علت شناخت نسبت به آنان و ... باشد.
- برای شهروندان تهرانی، شهر و مسائل شهری پس از مسائل خانوادگی، معیشتی و شخصی بیشترین اهمیت را دارا می‌باشد.
- میزان مشارکت جویی شهروندان تهرانی در مدیریت شهری کم رو به متوسط ارزیابی می‌شود.
- بیش از سه چهارم پاسخگویان معتقدند که به مشارکت در اداره امور شهر علاقه داشته ولی به دلیل مسائل و مشکلات متعدد خانوادگی، معیشتی و شخصی فرصتی ندارد.
- از نظر غالب پاسخگویان، سایر شهروندان تمایل زیادی به مشارکت در مدیریت شهر ندارند.
- شهروندان تهرانی هزینه‌های مترتب بر امر مشارکت در مدیریت شهر در شرایط فعلی جامعه را بیشتر از فواید و آثار مثبت منتج از آن می‌دانند.
- شهروندان تهرانی معتقدند در شرایط موجود، کارگروهی و جمعی برای اداره شهر در درستی زیادی داشته و نتیجه مثبتی هم در پی ندارد.
- شهروندان تهرانی در برابر این موضوع که حاضر به پرداخت عوارض، مالیات و یا دادن پول بیشتر در طی فرایند مشارکت در مدیریت شهر هستند، اعلام مخالفت نموده‌اند.
- شهروندان تهرانی نسبت به تمایل مسئولین و متولیان مدیریت شهر جهت جذب و استفاده از مشارکت شهروندان خوشبین نبوده و معتقدند تنها برای دریافت کمک‌های مالی از مشارکت شهروندان نام برده می‌شود.
- شهروندان تهرانی عوامل زیر را به ترتیب به عنوان مهمترین دلایل کم تمایلی خود به مشارکت در مدیریت شهر در شرایط موجود اعلام کرده‌اند: نداشتن فرصت کافی و درگیری با مسائل خانوادگی و معیشتی، آشکار شدن موضوعات شخصی (مانند دارایی فرد) و نیز جهت‌گیری‌های مذهبی، اعتقادی و سیاسی افراد در طی فرایند مشارکت، زینتی بودن مشارکت شهروندان و عدم توجه به نظرات و دیدگاه‌های آنان به شکل موثر و واقعی، عدم تمایل مدیریت شهری به استفاده از مشارکت شهروندان و در نتیجه فقدان روش‌های مناسب برای جلب مشارکت شهروندان.
- شهروندان تهرانی همچنین از میان ۸ گزینه ارائه شده سه مورد از مهمترین معضلات سیستم مدیریت شهری موجود را به ترتیب چنین اعلام نموده‌اند: فقدان تخصص کافی مدیریت شهری برای حل مشکلات، پاسخگو نبودن مدیران مدیریت شهری در قبال عملکرد خود، فقدان قوانین کارآمد و عدم پایبندی شهروندان و مدیریت شهری به قانون.

- میان اعتقاد به اهمیت و ضرورت اصل مشارکت در مدیریت شهر و دیدگاه فرد درباره چگونگی مدیریت شهر و نهاد متولی آن، ارتباط معناداری وجود دارد.
 - میان اعتقاد به اهمیت و ضرورت اصل مشارکت در مدیریت شهر و دیدگاه فرد نسبت به عملکرد دو رکن مهم شوراها و شوراییارها، ارتباط معناداری وجود ندارد.
 - میان دیدگاه فرد نسبت به عملکرد دو رکن مهم شوراها و شوراییاریها و دیدگاه فرد درباره چگونگی مدیریت شهر و نهاد متولی آن، ارتباط معناداری وجود دارد.
 - میان دیدگاه فرد درباره تمایل به مشارکت جویی در اداره امور شهر و تصور فرد درباره برتری فواید مشارکت بر هزینه‌های مترتب بر آن در شرایط فعلی، ارتباط معناداری وجود دارد.
 - میان تصور فرد درباره برتری فواید مشارکت بر هزینه‌های مترتب در شرایط فعلی و دیدگاه فرد نسبت به تمایل مسئولین جهت جذب مشارکت شهروندان، ارتباط معناداری وجود دارد.
 - نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد مهمترین عامل در میزان مشارکت جویی در اداره امور شهر، دیدگاه فرد نسبت به تمایل مسئولین جهت جذب مشارکت شهروندان با ضریب تاثیر ۰٫۶۷۸ است.
- ۷- منابع و مآخذ:**
- براتی، ناصر (۱۳۸۶)، چالش‌های رودرروی شهرسازی ایران در آستانه قرن ۲۱، فصلنامه باغ نظر، شماره ششم، صص ۵-۳۰.
 - برک پور ناصر و اسدی، ایرج (۱۳۸۸)، مدیریت و حکمروایی شهری، انتشارات دانشگاه هنر تهران، تهران.
 - برک پور، ناصر (۱۳۸۵)، حکمروایی شهری و نظام اداره شهرها در ایران، مجموعه مقالات اولین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد
 - بهرامی‌نژاد، دهقان (۱۳۸۳)، مفهوم مدیریت شهری، مجموعه مقالات همایش مسائل شهرسازی ایران، جلد دوم (مدیریت شهری)، شیراز، صص ۶۳-۷۰.
 - اشرف، احمد (۱۳۵۳)، ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۴، دوره ۱، صص ۷-۴۹.
 - آندرانویچ‌گ و ریپوساگ (۱۳۸۰)، روش‌های پژوهش شهری، ترجمه محمود نجاتی‌حسینی، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.
 - آخوندی، عباس (۱۳۸۶)، مساله حکمرانی و قانون جامع شهرسازی و معماری کشور، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۵۶-۵۹.
 - اطهاری و دیگران (۱۳۸۶)، حکمروایی شهری مبانی نظری و ضرورت شکل‌گیری آن در ایران در گفت‌گو با کمال اطهاری، ناصر برک پور، غلامرضا کاظمیان و جواد مهدیزاده، مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۸-۱۸.
 - پاپلی یزدی، محمد حسین و رجبی سناجردی، حسین (۱۳۸۲)، نظریه‌های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، تهران.
 - تقوایی، علی اکبر و تاجدار، رسول (۱۳۸۸)، درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکرد تحلیلی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۳، صص ۴۵-۵۸.
 - جهانشاهی، محمد حسین (۱۳۸۶)، نگاهی به تعاریف و مفاهیم حکمروایی، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۴۵-۴۷.
 - حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹)، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی (تجدیدنظر اساسی و اصلاحات و اضافات)، انتشارات سمت، تهران.
 - دواس، دی. ای (۱۳۹۰)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایبی، چاپ سیزدهم، نشر نی، تهران.
 - رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۷)، توسعه و تضاد؛ کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی

in Iran on the eve of the 21st century". Bagh-e-nazar journal, No 6, pp 5- 30.

• Barakpur.N and asadi. Iraj (1388). "Management and urban governance", University of Art publication, Tehran.

• Barakpur.N (1388). "Urban governance and urban management system in Iran", Proceedings of the First Conference of planning and urban management, Mashhad.

• Bahrami nejad. D (1383), "The concept of urban management", Proceedings of the urban issues of Iran Conference, Volume 2 (urban management), Shiraz, pp. 70 -63.

• Ashraf.A,(1353), "The historical features of urbanization in Iran Islamic era", social science letter, Issue 4, Volume 1, pp. 7. 49.

• Andranovich. G and Riposa.G (1380), "Urban research doing", translated by Mahmoud nejat Hossein, publications of municipalities and village administration organization, Tehran.

• Akhoundi. A (1386), "The issue of governance and Comprehensive law of urbanism and architecture", jostarhaye shahrsazi Journal, No 19- 20, pp 56-59.

• Athari et al., (1386), "Urban governance theory and the necessity of its formation in Iran, said in an interview with Kamal Athari, N. Barakpur, Gholamreza kazemian Javad Mahdzadeh, jostarhaye shahrsazi Journal, No 19 and 20, pp. 8-18.

• Papoli Yazdi. M and Rajabi Sanajerdi.H,(1382),City and periphery theories, Samt publication, Tehran.

• Taghvaei.A and Tajdar.R, (1388), "Introduction to urban good governance in the analytical approach, Journal of Urban Management, Issue 23, pp. 45-58.

• Jahanshahi.M (1386), "A look at the definitions and concepts of governance", jostarhaye shahrsazi Journal, No 19 and 20, pp. 45 -47.

آن، شهرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم، تهران.

• صرافعی، مظفر (۱۳۷۹)، (الف) مفهوم و مبانی و چالش‌های مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره دوم، تهران.

• کامروا، محمدعلی (۱۳۸۴)، مقدمه ای بر شهرسازی معاصر ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

• کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۶)، درآمدی بر الگوی حکمروایی شهری، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۵- ۷.

• لطیفی، غلامرضا (۱۳۸۴)، تحلیل مدیریت شهری تهران طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۶، رساله دکتری شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران

• سعیدنیا، احمد (۱۳۸۳)، کتاب سبز شهرداریها (جلد مدیریت شهری)، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، تهران.

• کلانتری، خلیل (۱۳۸۹)، پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی- اقتصادی، چاپ چهارم، مهندسی مشاور طرح و منظر، تهران.

• مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران (۱۳۸۹)، حکمروایی خوب شهری، نشریه دانش شهر، شماره ۱۱، تهران.

• Astleithner, F. & A. Hamedinger (2003), The Analysis of Sustainability Indicators as Socially Constructed Policy Instruments: benefits and challenges of 'interactive research', Local Environment, 8 (6), 627-640.

• Evans, Bob & Joas, Marko (2005), Governing Sustainable Cities, Ehtshcan Publication, USA.

• Chan, C.K Roger & HU, Yan (2004), Urban Governance: A Theoretical Review and an Empirical Study, Asian Geographer, Volume 23, p 5- 17.

• Siegel, Charles (2010), Unplanning: Livable Cities and Political Choices, California

• Barati.N, (1386). "Challenges facing urban planners

- Hafeznia, MR (1389), "An introduction to research methods in the human science", Samt publication, Tehran.
- Daves.D.A, (1390), "surveys in social research", translation by H. Nayebi, Thirteenth Edition, Nei Publishing, Tehran.
- RAFIPOUR, F. (1387), "Development and conflict", Sherkat sahemi enteshar Publication, Seventh Edition, Tehran.
- Sarrafi.M, (1379). (A), "The concept and principles and challenges of urban management", urban management Journal, Issue 2, Tehran.
- Kamrava, MA (1384), "Introduction to modern urban Iran", Tehran University Press, Tehran.
- Kazemian. GH, (1386), "Introduction to the pattern of urban governance", jostarhaye shahrsazi Journal, No 19 and 20, pp. 5: 7
- Latifi, G. (1384), "Analysis of urban management in Tehran during the years 1368- 1376", Urban Planning PHD thesis, Faculty of Fine Arts, Tehran University, Tehran.
- Saeidnia, A. (1383), The Green Book municipalities (urban management issues), publications of municipalities and village administration organization, Tehran.
- Kalantari.Kh (1389), "Processing and analysis of data on socio-economic research", Fourth Edition, design and landscape engineers consultant, Tehran.
- Astleithner, F. & A. Hamedinger (2003), The Analysis of Sustainability Indicators as Socially Constructed Policy Instruments: benefits and challenges of 'interactive research', Local Environment, 8 (6), 627-640.
- Evans, Bob & Joas, Marko (2005), Governing Sustainable Cities, Ehtscan Publication, USA.
- Chan, C.K Roger & HU, Yan (2004), Urban Governance: A Theoretical Review and an Empirical Study, Asian Geographer, Volume 23, p 5- 17.
- Siegel, Charles (2010), Unplanning: Livable Cities and Political Choices, California.

